

بالاخره برسد بیک جای عجیبی که هر کس پرورد در خانه خودش سنگر ببندد و آن مخاطرات عظیمه که از اطراف متوجه است همین طور تنگ می شود تا اینکه می آید و پایتخت شما را خفه میکند حالا می خواهید این اختیار را بدهید می خواهید بدهید بدهید هیچ داخل جزئیات فرمایشات آقای وحیدالملک نمی شود ولی بایشان اطمینان می دهم که مقدمه این پروگرام از هیچ قانون اساسی خارجی اقتباس نشده است فقط از محسوسات و از مشاهده حالات و اوضاع مملکتی این پیشنهاد شده است و در خانه هر چه خودم عرض می کنم که در یک مورد یا بعضی موارد شاید این عنوان سوء استعمال شده است و خاطر آقایان نمایندگان شاید از آن مضطرب است بنده آنرا هم می توانم اینجا اطمینان بدهم که هر قدر به کابینه حاضر اختیار بدهید او را سوء استعمال نخواهد کرد و یقیناً بایک حسن سلویه و عالی رفتار خواهد کرد که آن حسن سلویه و عمل تکلیفش با انصاف خواهد بود و عدالت.

سلیمان میرزا - بنده چنانچه آقای وحیدالملک شرح مفصلي فرمودند مشروحاً چیزی عرض نمیکنم و با تمام فرمایشات ایشان همراهم و بهیچ وجه اختیار تام و فرمایش بعضی از آقایان لغت دیگری اگر پیدا می شد آنرا هم تصویب می کردند بنده لازم نمی دانم ولیکن هیچ یک از مطالبی را هم که آقای وزیر داخله توضیح فرمودند در او تردید نمیکنم ولی در نظر بنده بهیچ وجه قوت تام و اتم یا بعضی لغات دیگر لازم نیست و به ای نحو که در خورد و سزاوار نیست می خواهم بدانم آیا کدام شخص یا کدام قانون مملکتی بیک وزیری منع کرده یا اذعان کرده یا در موقع سؤال و استیضاح در آورده است وزیری را که خواسته است یک جانی را به مجازات برساند در همین مثال حاضر عرض می کنم که فرمودند از روز معرفی شدن وزراء تا امروز نسبت بایشان سوء قصد کرده اند و بشما ابره عملی جلوگیری کرده اند اگر با ثبات برسانند و مجازات بدهند مجازات دادن بیک جانی یا یک (ترور) این یک اختیارات تمامه و به ای نحو کسان نمی خواهد کدام قانسون است که منع کنند بگویند آدم کش را نباید کشت کدام قانون است که دست آقایان وزراء را بسته است در اینکه یک شب بروند در خانه یک وزیری فردای آنروز آنها را بخواهند مجازات بکنند نتوانند کدام وکیل است که اگر یک چنین چیزی صورت گرفت سؤال و استیضاح بکنند متعجب می فرمایند از برای دادن مجازات در موارد جنحه و جنایات اختیار تام بل اتم می خواهم که بنظر بنده بهیچ وجه مطابق با موضوع نیست قانون اساسی آن جایی که حکم بصورتیت شخص داده حکم می کند که هر کس برخلاف آن رفتار بکند مجازات بکنند قانون مجازات مگر تا بعال رسماً از مجلس نگذشته و لیکن قانون جنایات ماهر از و سبب سال است که معین است و هیچ معطلی ندارد گویا ولکم فی النصاب حیوة را احدی منکر نباشد و این قانون ولکم فی القصاص گویا بکلی فراموش شده است تا از روزی که این آدم کشی شروع شد و متدرجاً باینجا کشید و به امروز رسید هیچ روزی این قانون

را ندیده ایم و هیچ مجازاتی را مشاهده نکردیم هیچ کشته یلس را ندیدیم که اگر ثابت شد این قاتل است بموقع اجرا بگذارند و اگر رفت اختیار بام یا اتم یا یک لغت معمول دیگری را بنده و رفقای بنده لازم ندانند و چنانچه اطمینان هم می دهند سوء استعمال نشود باین ملاحظه سوء استعمال نیست که لازم نمی دانیم بلکه بملاحظه اینکه همان قوانین عادی را کافی می دانیم به بینیم چگونه یک وکیل یا یک قری می تواند در یک موقتی که یک کس را می خواهد مجازات نماید که تصدیق و بیعت رسیده با استاد معینه حرفی بزند لیکن بنده عرض میکنم اختیار تام یا بهای نحو که هر دولتت کیف عایشاه است هیچ تفاوتی ندارد مواد فساد شئی است مهمم مواد فساد در نظر یک نفر کنسرواتور لیبرال کسرواتور است آیا مواد فساد کدام است آیا دائره مواد فساد بکجا منتهی خواهد شد چگونه از یک هیئت مقننه یک هیئت مجریه تقاضای یک اختیارات فوق قانون می کنند بیک قدرت فوق قانون می خواهند بگیرند بالالمجب بنده متعجبم چه عرض کنم در جواب آقای وزیر داخله که واضح می فرمایند چهار نقطه مملکت در اضطراب مبتلا هستند و دعوات را آتش میزنند یا این که باقوا دولتی در جنگ هستند متعجب می کنم آیا قانون اساسی و آتیهائی که اختیار تام نمی خواهند بدهند می گویند بارشید السلطان ها و نایب حسین ها جنگ نکند میگویند قشون به فارس نفرستید می گویند برای شاهسون ها استعداد نفرستید میگویند شاهسونها را که امروزه حبس کرده اند رها کنید و مجازات ندهید چنین چیزی در قانون اساسی است یا کلاهی که اختیار تام نمی دهند پیشنهاد میکنند مقصود بنده و رفقای بنده از این اشکالات این است که سوء استفاده خواهد شد چنانچه امتحان کردیم و شد و باز هم خواهد شد - بقدر بنده اختیار تام یعنی تعطیل مجلس چرا بجهت اینکه وقتی که اختیار تام دادیم بیک هیئت دولتی می خواهم بدانم همان اکثریتی که این اختیار تام را میدهد از یک وزیری سؤال و استیضاح بکنند می خوانم بدانم یا کلامه یا لغت اختیار تام و لغت بای نحو که کدام وکیل است که بتواند استیضاح بکند مطابق قانون اساسی میگویند اختیار تام بهای نحو که پس آتوقتی که بنده ررقه را از جیبم در می آورم یعنی وره سفید را در می آورم که به این مطلب برای بدهم یعنی قانون اساسی را با این وره سفید گذاشتیم کنار از حقوقات مجلس دست کشیدم حقوقات ملتی که من را فرستاده است که حقوق آنها را مطابق این قانون اساسی حفظ کنم تمام آن حقوقات را بآن وره برداشته در کاسه رای گذاشته تقدیم هیئت وزراء کرده ام و این هیئت دولت را الی الابد فرض کرده ام زیرا که اختیار تام هم در اینجا معین نیست که تا چه مدت است پس الی الابد من این هیئت دولت را باید هیئت دولت فرض کنم و مختار نام باید آنها بدانم به ای نحو که زیرا من اختیار تام را در اینجا ندمتس را می بینم نه حدودش را و بهیچوجه یک چنین چیزی را نمیتوانم تصویب کنم بجهت اینکه هر کاری که هیئت دولت حاضر کرد ولو اینکه برخلاف قانون

اساسی یا سایر قوانین مدونه باشد خواهند کرد موافق اختیارات تام است آنهم متید بلنت به ای نحو که مقتضی چنین توانستیم بنده این هیئت دولت را نمی گویم بنده تشریح می کنم لغت اختیار تام را وای نحو که هر عریض میکنم اگر فردا وارد منزل یک وکیل شدند و آن وکیل را گرفتند و از خانه اش کشیدند بیرون فردا می توان سؤال یا استیضاح کرد بنده می خواهم بدانم فصول و مواد محدود این اختیار نام کجاست در آن روز که یک اختیار تامی بیک کابینه دادید که بنده هم آن روز در مجلس نبودم فصول و مواد داشت بیک ترتیب معینی در قانون خلع اسلحه در مدت معینه و لغت به ای نحو که هر نداشت و قانون ترک اسلحه مدتی بود از مجلس گذشته بود و اجرا نمیشد در این خصوص یک اختیار تامی دادند فقط در موضوع مناسله آنجا پس در هم به ای نحو که نداشتند بنده عرض می کنم دادن اختیار تام یعنی تعطیل کلیه جرایم یعنی جلوگیری آزادی افلام این است معنی اختیار تام و بهای نحو که بنظر بنده زیرا که اگر یک وکیل سؤال یا استیضاح کرد میگویند مغل نظام بود یا مغل آسایش بود نویسنده روزنامه یا خود روز نامه که نوشته شده بود در تحت مواد فاسد بود و مواد فاسد را بنده نمی دانم چه چیز است و بنظر کمی معین میشود همانطور که عرض کردم مواد فساد در نظر کنسرواتور لیبرال است و در نظر لیبرال کنسرواتور است چگونه می شود بیک چنین چیز رای داد [ترور] و [ترور] که اینجا ترجمه کرده اند اگر ترور و ترور هم را چیزهاییکه باعث خوف و وحشت است فرض کند و حال اینکه خودشان سه معانی دیگر در اینجا قوض کرده اند اگر معنای آنرا خوف و وحشت فرض کنید این خیلی تفصیلات دارد خیلی چیزها را می توان وحشت فرض کرد و اینجا آورد و در تحت ترور و ترور هم دانست و اگر مقصود آدم کشی است آنرا خوبست واضح بگویند و حدودش را مشخص بفرمایند و اصلاح آن اختیار تام را مدتش را هم ترتیبش معین بفرمایند و پیشنهاد مجلس کنید تا تمام بدانم که این اختیار تام را که می خواهم بدهیم اول در چه خصوصوجه مواد در چه حدود خواسته اند تا اینکه منم بتوانم رای بدهم پس از آن بچه ترتیب اجرا خواهد شد و بچه ترتیب خواهد بود والا بنده هر چه نظر میکنم می بینم لغت اختیار تام و عیالی نحو که لغت رفع مواد فساد آنها یک لغاتی است که قابل همه قسم تا بیل و تفسیر است و گویا این لغات برای آنها هم که رای میدهند مهم است محض یادآوری عرض میکنم که کسی که اختیار تام را اینجا رای داد یعنی بنظر بنده شاید هم خط کرده باشم و ظاهر آن خط هم کرده ام بجهت اینکه در اقلیت بنده این را میدانم اختیار تام وقتی که داده میشود بدون اینکه حدود اساسی آن معین شود یعنی مرکز تمام حقوق اساسی که از برای ملت معین است تمام آن حقوقات را باید مرکز بکنیم و بدانیم که چگونه از وزراء سؤال و استیضاح بکنیم محض اینکه نقط بنده بدانم و بدهم استعدا می کنم از آقایان وزراء که در مواد اختیار تام بنویسند و بدهند که بنده بدانم فرض از اختیار تام چه چیز است زیرا که تمام این تفسیر و تاویل هائی را که بنده و آقای وحیدالملک

کرده اند ممکن است که از این عبارت که در اینجا بنجا نوشته شده است بیرون آورد و ممکن است که آقایان وزراء بر خیزند از نظر خودشان یک چیزی تفسیر بفرمایند و بهمان طور که آقای مستشار الدوله فرمودند خیلی چیز معنادی قرار بدهند که عبارت باشد از نظم مملکت و بآن تشبیهات صحیحی که میدهند مثل نمایش بهار یا باغ شاه آن وقت مستند نمایند این مذاکرات این تنقیدات اغلب برای یک چیزهای هوایی و بگویند این هوا و هوسه این تنقیدات در ذلت دادن مشروطیت و هم زدن مجلس است شاید بکنند مثالی از این مثالها بفرمایند = این تنقیدات هم زدن همه چیز و از دست دادن همه چیز است لکن کمان نمی کشد اینها بجهت یک توضیح اختیار تام بهای نحو که باشد و هیچ کس را تانع نخواهد کرد نه بفهمند و درک بکنند که معنی اختیار تام به ای نحو که هر چه چیز است و بالاخره اگر بنده نتوانم بفهمم ممکن است بفرمایند و یک چنین توضیحی و شرحی بدهند که اگر امروز یک چنین اختیار تامی داده نشود قارس متعجب می شود و فلان جا از دست خواهد رفت در طهران هم همانطور که نسبت با آقای رئیس الوزراء فرمودند و لاهم در خانه خودشان نمی توانست بروند و اگر و کلا تصویب بکنند و این اختیار را بوزراء بدهند تمام مملکت مایکسره امن و اصلاح می شود و تمام مواد فساد که تصور است یک مرتبه قلع و سقم می شود و حقیقتاً مملکت ما مملکت امن و کستان بلکه آن بهشتی که خداوند وعده داده است مملکت ما آن خواهد شد و در تحت کلامه اختیار تام به ای نحو که یاورقه سفید خواهد حاصل شد شاید همین را با لعل شدت وحدت بفرمایند که همین است اگر بفرمایند که بفرمایند که نمی دهید خدا حافظ شامی در این اظهارات منطقی نیست و این دلیل منطقی برای اعتراضات یک وکیل خواهد بود خوبست معین بفرمایند توضیحات بدهند که این اشکالات رفع بشود و بدانیم همه بدانند که اختیار تام بهای نحو که حق سؤال و استیضاح را از کلا بر میدارند یا بر نمی دارد حق بوزراء میدهد که داخل خانه مردم بشود مأمورین آنها یا نمی دهد اختیار تام به ای نحو که حق میدهد که بدون معاکه یک جریده را توقیف بکنند یا غیر اختیار تام حق میدهد که یک کسی را بدون معاکه تبعید بکنند یا حق نمی دهد اختیار تام بهای - نحو که حق میدهد که فردا یک نفر از نمایان ایران را تبعید کنند یا حق نمی دهد اینگونه حقوقی که در مملکت هست بیبینم وقتی که اختیار تام بهای نحو که بدهیم اینها از بین بر میدارند یا بر نمی دارد والا باز تکرار میکنم که آن مثال هائی که آقای مستشار الدوله بیان میفرمایند خیلی فصیح و بلیغ خواهند فرمود لکن آن مثالها بنده را متقاعد نخواهد کرد و یک مختصر اشتباه بنده را هم رفع نخواهد کرد خوب است یک مختصر توضیحات بدهند که ببینیم چه چیز است مراد از اختیار تام بهای نحو که

و حتی بعضیها هم اظهار عدم امنیت کردند در این مسئله که مکرر میفرمایند اختیار تام بهای نحو که این یک تبدیل کلامی است که هم عبارت اینجا شاید است و هم وزراء چنین چیزی را خواسته اند ایشان بهای نحو که را عقب انداخته اند و بفرمایند اختیار تام بهای نحو که ماهم چه چیزی نوشته ایم ما نوشته ایم دفع مواد فساد بهای نحو که این یعنی بهر جور می خواهم رخنه را بکنیم این قسم اختیار تام می خواهم حال این را پس وینش کردن شاید اسباب پاره ای اشکالات پیش بیاید و اما بقول هر چه باشد که باقی از شما و کلامی رسم این قانون اساسی نمی بینید اصل است و هر اصلی فرعی می خواهد که فروع این اصل که این وزراء را مسئول میکند که برود مطابق آن اصل کار بکنند که امر فرغ است که درست کرده اند که از روی آن بروند کار بکنند خود شما مکرر ندیده اید که وزرای شما نتوانستند با یکجریه طرف پشوند خود شما مگر ندیده اید که در این شهر شواو زیر کشتند کین کشتند کین کشتند خادمت کشتند همه اش هم که در مواد و حال انقلاب نبود چرا نتوانستید حرف بزنید برای ایشکه حرفی که لازم بود برای اجرای مقاصد در دست شما نبود و آن انتظامی که لازم بود نداشتید که هیچ کدام از شما قوت قلب نداشتید همه تان می ترسیدید هم وکیل هم وزیر و حالا ملاحظه بفرمایید امروز تمام مملکت مایکسره امن و اصلاح می شود و تمام مواد فساد که تصور است یک مرتبه قلع و سقم می شود و حقیقتاً مملکت ما مملکت امن و کستان بلکه آن بهشتی که خداوند وعده داده است مملکت ما آن خواهد شد و در تحت کلامه اختیار تام به ای نحو که یاورقه سفید خواهد حاصل شد شاید همین را با لعل شدت وحدت بفرمایند که همین است اگر بفرمایند که بفرمایند که نمی دهید خدا حافظ شامی در این اظهارات منطقی نیست و این دلیل منطقی برای اعتراضات یک وکیل خواهد بود خوبست معین بفرمایند توضیحات بدهند که این اشکالات رفع بشود و بدانیم همه بدانند که اختیار تام بهای نحو که حق سؤال و استیضاح را از کلا بر میدارند یا بر نمی دارد حق بوزراء میدهد که داخل خانه مردم بشود مأمورین آنها یا نمی دهد اختیار تام به ای نحو که حق میدهد که بدون معاکه یک جریده را توقیف بکنند یا غیر اختیار تام حق میدهد که یک کسی را بدون معاکه تبعید بکنند یا حق نمی دهد اختیار تام بهای - نحو که حق میدهد که فردا یک نفر از نمایان ایران را تبعید کنند یا حق نمی دهد اینگونه حقوقی که در مملکت هست بیبینم وقتی که اختیار تام بهای نحو که بدهیم اینها از بین بر میدارند یا بر نمی دارد والا باز تکرار میکنم که آن مثال هائی که آقای مستشار الدوله بیان میفرمایند خیلی فصیح و بلیغ خواهند فرمود لکن آن مثالها بنده را متقاعد نخواهد کرد و یک مختصر اشتباه بنده را هم رفع نخواهد کرد خوب است یک مختصر توضیحات بدهند که ببینیم چه چیز است مراد از اختیار تام بهای نحو که

و بواسطه سابقه بعضی اعمال پاره‌ای خیالات در بعضی سربازان آنها هم نیست فقط ملاحظه حال اسرورده مملکت و بارگرایانی که اینها بدوش گرفته‌اند مقتضی است که مشغول این عملیات بشوند حالا نمی‌خواهید مشغول شویم مختار بدید دیگر باز شاهزاده سلیمان میرزا نفرمانند که ما نمیتوانیم باین قسم تقاضا شویم من تصور میکنم که اشکالی برای این مطلب باقی نماند مگر بخواهند قانع نشوند این یک چیز دیگری است اما این یک چیزی است که همه شاهها میدانند در شهر شاه است وجداناً در پیش خدا و خلق ماها همه مسئول این امر هستیم من هم میدانم داخل اینها کرده شده‌ام و مستحضر شده‌ام و همه آقایان و کلا بهتر از من میدانند و بنده نمی‌توانم این را انکار بکنم پس بیایستی باین صمیمیت و یک رفاقتی داخل اینکار شد و بیایستی هم آواز شد و دفع این مواد فساد را کرد و اینکه شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند (ولکن فی القصاص حیوة) یا اولی الالباب صحیح است اما یک آیه دیگر هم هست آن را هم خوب بود در نظر می‌آوردند:

انما جزاء الذین یجربون الله و رسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یتلوه و یصلوه اوتقطع ارجلهم و یدیمهم من خلف اریق من الارض ذلک جزای لهم فی العیوة الدنیا و هم فی الآخرة عذاب الیم -

به بیند دیگر چیزی باقی گذاشته است مام آن اشخاص را میکوبیم و خدا برای آنها حدودی فراراده است مام شاید آن اولی‌الباب را بخواهیم استعمال کنیم آن حد آخری را شاید اتخاذ کنیم.

رئیس - بفرمائید.
سلیمان میرزا - بنده این ماده را وقتی موافق خواهم بود که آنطوری که عرض کردم وقتی می‌توانم رأی بدهم که قانون جزا از مجلس گذشته باشد و چون نگذشته است و اگر هم بگذرد مسلماً موافق قوانین شرع انور خواهد بود پس اگر آقایان وزراء داخل شوند که بملوی این لفظ موافق شرع نوشته شود رفع اشتباه از عموم کاملاً بعمل می‌آید و موافقت تام در آن خواهد بود.

رئیس - چون دیگر مغالطی نیست میگردیم بپایه سوم.
(ماده سوم بعبارت ذیل خوانده شد).

رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا نوشته بودید در ماده سوم مغالطه مقصودتان ماده سوم از مقدمه پروگرام است یا ماده سوم از خود پروگرام.

سلیمان میرزا - در هر دو ماده بنده عرض دارم **رئیس -** بفرمائید.

سلیمان میرزا - بنده در این ماده صمیم مقدمه که مطرح است عرض میکنم قانون مجازات اداری ما که نگذشته است میخواهم بدانم این کدام قانون مجازات اداری است که هنوز بطور کلی تصویب نشده است و مقصودشان از این قانون مجازات اداره کدام قانون است و مطابق کدام قانون این مجازات را مجری خواهند داشت.

وزیر داخله - وقتیکه بتاریخ این سه چهار سال اخیر نگاه کنیم می‌بینیم غالباً این خرابیها اینست که در میان مأمورین اصول انتظامات و اطاعت مأمورین با مافوق رعایت نشده فرض اصول قانون اساسی را مأمورین بنده است که باید عرض بکنم اگر مذاکرانی شده است در ترتیب عمل بوده است حالا بنده گمان میکنم که مذاکرات در این خصوص کافی است حالا رای میگیریم بپایه اول آقایانی که مذاکرات را در ماده اول کافی میدانند و تصویب میکنند که از ماده اول بگذریم بپایه دوم قیام نمایند.

(با اکثریت پنجاه رأی تصویب شد).
(ماده دوم پروگرام وزراء بعبارت ذیل فرات شد)
رئیس - در این باب بشیر شاهزاده محمد هاشم میرزا کسی مخالف نبود ایشان اگر اظهاری دارند بفرمائید.

محمد هاشم میرزا - بنده آنوقت که اجازه خواسته بودم برای این بود که بدانم این اختیار نام راجع باین موادم هست یا نیست حالا که معلوم شد راجع باین موادم نیست عرضی ندارم.

رئیس - چون غیر از شاهزاده محمد هاشم میرزا مخالفی نبود اجازه می‌دهید بگذریم به ماده سه.

سلیمان میرزا - بنده توضیحی دارم باید عرض کنم.
رئیس - چون اجازه خواسته‌اید توضیح بدهید و چون بنده بوظیفه خود عمل کردم و آن توضیح را در اظهارات آقای وزیر امور خارجه نسبت بخلق شما دادم دیگر لازم بتوضیح نمی‌دانم.
سلیمان میرزا - در این ماده عرضی ندارم.

ولایت بروید اگر دلش خواست برود اگر نخواست برود چنانچه از دو سه ماه باین طرف در خصوص مأمورین نظامی این مسئله دیده شده است و معلوم است که با این وضع هیچ کاری از پیش نمی‌رود هر قدر ما پول تلف کنیم و هر قدر استعداد حاضر کنیم هر قدر قوای فکری و اراده‌ای را بکار ببریم بالاخره این باید بدست مأمورین اجرا شود چه مأمورین کل چه مأمورین جزء وقتی که آنها تابع یک نظامات نشده‌اند رئیس آنها میتواند به سامعه یا خدای نخواست بفرش اوامر دولت را سوء استعمال کند یا هیچ استعمال نکند و ارام دولت را معطل و مهمل بگذرانند یا بطوری استعمال بکنند که بعکس نتیجه منتظره نتیجه حاصل شود پس معلوم است که تا این قوانین مدون نشده است نمی‌توان مأمورین را معطل و بدون تکلیف گذاشت که ممکن شود امور تعطیل یا تسامح بردار باشد لهذا بنسبت تصحیرات و سامعه و مداخله که در مأمورین دیده میشود باید آنها را بمجازات معاکه اداری یعنی بطوری که چهار نفر را نشانده و گفت که باین مأمورین چنین حکمی شده بود یا کتبی یا شفاهی و این مأمور برخلاف اجرا کرده است یا هیچ اجرا نکرده است آنوقت آنها هر چه حکم کردند البته آن باید اجرا شود ایست مجازات اداری چون قانونی در این باب نداریم ایست که یک مدت قلیلی باین ترتیب خواهد بود و چنانچه ملاحظه میفرمائید در یک ماده دیگر اشاره شده است که بسجله قوانین موقتی معین خواهد شد که این معاکه اداری هم باین طریق که راقما از روی قوه دفاعی هر کس خواهد بود اینهم در قلیلی مدت قلیلی یعنی در ظرف مدت چهل روز باشد تا آن قوانین موقتی تهیه شده بگذرد البته بعد از آنکه آن قوانین موقتی گذشت مطابق آن عمل خواهد شد این را هم در این مورد لازم است عرض بکنم که چندی است در ادارات دولتی چه در پایتخت و چه در ولایات مأمورین دولت داخل در پارنی بازی شده‌اند و اینرا وسیله اجراء مقاصد شخصی قرار داده‌اند البته مأمورین دولت هم هر یک یکی از افراد ناس هستند و هر یک از افراد ناس یک سلبه و مسلکی دارد و او را نمی‌توان مانع بود لکن آن شخصی نباید بآن مسلک خودش را در کارهای دولتی و در امور اداری خودش اعمال کند در هیچ جا همچو چیزی نیست که نوکر دولت و مأمورین دولتی سابقه شخصی خودشان را در امور دولتی اعمال بکنند و این یک چیز مسلمی است که گمان نمی‌کنم در این خصوص مخالف باشد

رئیس - در این باب دیگر مغالطی نیست اگر مجلس تصویب میکند بگذریم در ماده سوم [گفتند صحیح است].

رئیس - عیالاً ده دقیقه نفس است و بعد از نفس شروع میکنیم بمذاکره در ماده چهارم (مجلس از برای نفس متفرق شد)

[بعد از نفس مجدداً جلسه تشکیل شد]
رئیس - ماده چهارم خوانده میشود.
[ماده چهارم خوانده شد]

محمد هاشم میرزا - محض اینکه سوء تفاهم نشود برای اینکه بعد از آنی که بنده تمام تروریست‌های دنیا را تکذیب کردم باز هم سوء تفاهم شد و خیال کردند که میخواهم دفاع از تروریست‌ها بکنم عرض میکنم امروزه هر چند کدام از روزنامه‌چاپی که طبع و توزیع می‌شود آنطوری که باید بنده آنها را صلاح حال امروزه و مفید نمی‌دانم و از هر کدام از آنها معایبی دیده‌ام و معایب هم دارم همین طوری هم که نوشته‌اند در مواردی که ادراج بمعنا کم‌عدلیه میگردند و معاکه‌ای که در عدلیه می‌خواست بشود دچار اشکالات میشد و آن مشکلات را هم بنده دیده‌ام که مثل سایر مطالب نبود که بسادگی از معاکه بگذرد ولی عرضی که دارم این است که اینجا نوشته‌اند مادامی که معاکه عدلیه تصفیه نشده است برای هیئت وزرا اختیاری لازم است که هر گاه جرایم از حدود خودشان تجاوز کردند وزارت معارف معاکات آنها را در معاکه اداری بگذرانند و معاکه اداری از قراری که بنده مسبقاً هستم راجع به امور اداری خواهد بود و در تحت نفوذ یک وزارتخانه است حالا در مورد روزنامه رسمی که در این اساس آن را رأی داده‌ام بعد از آنی که دایر شد یکی از ادارات وزارت داخله خواهد بود شاید بنده نتوانستم عرض بکنم لکن سایر روزنامه‌هایی که امروزه منتشر میشود اگر از حدود خودشان تجاوز کردند آنها را بکدام یک از معاکه اداره وزارتخانه‌ها می‌توانیم رجوع بکنیم چه تعلقی از قانون و نظامات اداری کرده‌اند تا اینکه معاکه اداری در آن خصوص رسیدگی بکند و علاوه بر این که بموجب قانون اساسی ما می‌توانیم که هیچ معاکه ممکن نیست منتقد بشود مگر بحکم قانون و این معاکه را که پیشنهاد کردند که تشکیل می‌شود به حکم کدام قانون خواهد بود تا اینکه در باب جرایم معاکه بکنند والا اینکه چون معاکه عدلیه خوب نیست و تصفیه نشده است باید این کار را بمعاکه اداره رجوع کرد این مثل ایست که بگوئیم چون فلان حاکم خوب نیست باید حکومت را بکار گذاری رجوع کنیم یا چون کار گذار سیستم خوب نیست باید کار او را بحکومت آنجا واگذار کرد به نظر بنده این طور می‌آید شاید ملتفت نباشم و اگر توضیح بنده نامتنت میشود علاوه بر این قانون اساسی در موادمی که این محظورات در بین هست راه چاره برای این کار معین کرده است و آن این است که معاکه با حضور هیئت منصفه که معین میشود باید رسیدگی بکند و بعد از آنی که هیئت منصفه معین بکند گمان ندارم معاکه عدلیه بتواند آنطوری که باید رعایت نکات قانونی را بکنند بلکه بدون هیئت منصفه رسیدگی بشود ممکنست معاکه را طرف سوء ظن قرار بدهند و بنده هم تصدیق میکنم ولی اگر به موجب اصل متناقد و نهم قانون اساسی که می‌تواند در موارد تصحیرات سیاسی و مطبوعات هیئت منصفه در معاکه حاضر خواهد بود عمل بشود و با حضور هیئت منصفه در معاکه عدلیه رسیدگی بشود گمان ندارم این اشکالاتی را که فرموده‌اند وارد نیاید و بنده نمی‌دانم که معاکه

اداری در امر مطبوعات و جرایم معاکه خواهد کرد خوب است این را توضیح بفرمائید که بنده بدانم.

حاج شیخ الرئیس - اما اینکه مرجع تنظیمات مستقیماً وزارت عدلیه است خوب مطلب واضحی است ولی البته پروگرام را ملاحظه فرموده‌اید که نوشته‌اند چون هنوز تشکیلات عدلیه ناتمام است و مشغولند کسانی که صلاحیت این کار و این رسیدگی را دارند در این خصوص رسیدگی بکنند برای اینکه بنده خیلی اهمیت می‌دهم باین ماده پروگرام و همانطوریکه خود نماینده محترم فی الجمله اشاره کردند بنده صریحتر و مشروحتر عرض می‌کنم که برخلاف انتظار عقلا در یک جرییده ما از جرایمی که بر سر تهذیب اخلاق یا روابط سیاسی تأسیس می‌شوند مشاهده کرده‌ایم که سوء استعمال کرده‌اند البته قلم آزاد است ولی مادامی که آزادی شخص بلکه ترقی می‌دهم که با آزادی نوع و استقلال مملکتی و آسایش عمومی صدمه نرساند و البته نظر هیئت وزراء در این مورد جلوگیری از بعضی تجاوزاتی است که از قلم بعضی از روزنامه‌نگاران می‌شود که می‌خواهند تا وقتی که معاکه عدلیه صحیحاً مرتب نشده است معاکات آنها را بمعاکه اداری رجوع نمایند که جلوگیری بشود و معلوم است که اینها را بدون مجازات و مکافات خیلی اسباب تجری میشود به اینکه بنده عقیده ام این است که مرکز رسمی اینگونه وقایع وزارت علوم است وزیر علوم میتواند که یک هیئت منصفه معین کرده یا اینکار رسیدگی بکند و هیچ اشکالی هم ندارد مراتب تجاوزات قلیله هم معلوم است که یکسری بعد مثل من آدمی تجارز می‌کنند یکسری نسبت بحقوق عامه و برای ایشان همان مواد قانون مطبوعات معین است و با رجوع بمعاکه اداره اجرا میشود و هیچ محل اشکالی نیست.

آقا سید حسین اردبیلی - بنده در اجرای قانون مطبوعات هیچ تردیدی ندارم یعنی این یک چیزی است که گمان میکنم کسی نتواند در آن تردیدی بنماید البته همه باید مساعدت بکنند در اجرای آن و اگر اجراء نشود باید سؤال بکنند و استصاح بکنند که چرا اجراء نمی‌شود در این هیچ شکلی نیست و قانون مطبوعات باید اجرا بشود ولی عرض بنده در اینجا فقط راجع به این قسمت است که نوشته‌اند برای کابینه اختیاری لازم است که تا اصلاح معاکه عدلیه هر گاه جرایم از حدود قانونی تجاوز کردند وزارت معارف قانون مطبوعات را بمعاکه اداری مجری دارد بنده اینرا بگذردی مشکل میدانم بواسطه اینکه این برای چیست اگر برای این است که معاکه عدلیه را کافی نمایند از برای اینکه صلاحیت اینکار را داشته باشند پس به دلیل و بهرجهاتی که آن معاکه را برای اینکار صلاحیت نمیشوند باید برای سایر کارها هم کافی نشانند که سایر رجوعات و تنظیمات رسیدگی نیاید بکنند حال اینکه اینطور نیست و مادامیکه عدلیه نواقصی دارد باید سعی بکنند در اینکه آن نواقص را رفع بکنند که حقاً صلاحیت رسیدگی را پیدا بکنند و تا وقتی که آن نواقص رفع نشده است همانطوریکه سایر کارها را مجبوریم که رجوع بآنجا بکنیم در مورد مطبوعات هم باید این کار را بکنیم متنتی مفاسدی که بوده است ما

هم تصدیق داریم که برای این بوده است که قانون مطبوعات اجرا نشده است نه اینکه بواسطه این باشد که یک وقتی اقدامی شده است و تصادف شده است باینکه تصادفاتی که بواسطه معاکه عدلیه بوده است تا اینکه خواسته باشند به معاکات اداری آنها را قبض بکنند بلکه تاکنون مطبوعات بواسطه اینکه هیچگونه تصادف و تضییعی ندیده‌اند در مورد تجاوزات و کرده‌اند از آن‌ها جلو گیری نشده است کار باینجا رسیده است که رفته رفته از حدود قانونی خودشان تجاوز کرده‌اند البته قانون مطبوعات برای جرایم یک حدود و حقوقی معین کرده است و تا وقتی که بآن حدود و حقوق رفتار بکنند البته هیچ کسی حق تعرض به آن‌ها ندارد و همین طور که خودشان تصدیق کرده‌اند یکی از اصول اولیه آزادی و مشروطیت است و ما هم هر چه داریم از آنها داریم که بواسطه متدراجانان اذعان راجع کرده‌اند برای آزادی طلبی این را کسی منکر نیست ولی رفتی که جرایم از آن حدود می‌تواند تجاوز کردند و در مقام اینکه می‌خواهند تنبیدی بکنند یا این که یک مسئله را موضوع بحث قرار بدهند تجاوز می‌کنند به تاکی باید از آن‌ها جلو گیری بشود و بدبختانه در مملکت ما هم یا نظریه اخلاق مردم است یا نظر بجهت دیگر جرایم بیشتر هنگامی می‌کنند و هر کدام که هتا کیشان بیشتر است بیشتر رواج می‌شوند و مردم از آن‌ها ترویج می‌کنند و در این طور موارد تا کنون اگر از طرف دولت اقدامی شده بود و آن‌ها را مجازاتی داده بودند یعنی در هر موردی که تجاوزی از یک روزنامه مشاهده می‌کردند رجوع می‌کردند به معاکه و هر چه آن معاکه و هیئت منصفه رای میداد اجرا می‌کردند مسلماً جلو گیری میشد و بعد از اینهم اگر فقط بهمان قوانین مطبوعات اکتفا بکنند و آن مواد را بوضع اجرا بیارند و ناعت بکنند بمعاکات عدلیه با وجود یک هیئت منصفه گمان میکنم از هر جور هتاکی جلوگیری بشود و محتاج نخواهد بود باینکه برخلاف یک قانونی که در دست داریم باینهم یک حق اختیار نامی را اینجا تصویب بکنیم که اجزای قانون مطبوعات را مثلاً بمعاکه اداری رجوع بکنند و چون بنده با اغلب نظرات آقای معده هاشم میرزا موافق و تصویب میکنم دیگر لازم نیست که تکرار بکنم و عقیده بنده این است که فقط آن فید آخر را دولت میدانم که این کار رجوع به معاکه اداره بشود.

حاج آقا - بنده هم آن عباراتی را که یکی از نمایندگان محترم بیان فرمودند در اینجا مکرر میکنم که با مخلوق خدا و ملت ایران نباید بازی کرد و واقفاً با مقررات مملکت بطریقیکه امروزه مقتضی است نباید رفتار کرد البته ما و کسانی که در راه آزادی زحمت کشیده‌اند هیچ شبهه نداریم که یکی از بزرگترین اصول آزادی مطبوعات است ولی باید دید آن آزادی که مجرب یک ملت بلکه عالی است آن آزادی که باید از او استفاده

شود و باعث ترقی و آبادی مملکت است که ادماست و فرق گذاشت بین آن و بین آزادی که باعث هرج و مرج و باعث تولید هزار گونه زحمت برای اهل مملکتی میشود همانطور که گفته شد بنده یک لغتی را در اینجا می بینم که نازه در مملکت متداول شده است و تمام مردم در یک موردی که میخواهند مقصودشانرا از پیش ببرند یا یک چیزی را که در نظر گرفته اند بدست بیاورند تمام تکلیف شان بر آن است است در حالتی که هنوز آن لغت در این مملکت یک مفهوم است که مصداق پیدا نکرده است و آن لغت لغت قانون است بله تمام چیزها در یک مملکتی که در راه آزادی قدم گذاشته و میخواهد مثل سایر ملل متقدمه عالم بیک طریق قانونی اوضاع همیشه خودشی را اداره بکند باید بر طبق قانون و اصول آزادی باشد ولی یک مملکتی که ابتدا هیچگونه قوانین مملکتی را دارا نبوده است باید در آن مملکت هم قریباً قانون نورد تا وقتی که همانطور که آقای وزیر امور خارجه فرموده قوانین آن وضع بشود شاهد بر عرص خود یکی از حکام در یزد یا جاهای دیگر یک تجاری را زجره بود و بفریب حق حبس و جریمه زده بودند آنوقت در راپورنی که داده بود بنده خود دیدم که نوشته بود که فلان شخصی را که فلان کار را کرده بود و بموجب قانون مجازاتش نردم در صورتی که بنده می دانم بموجب تمام قانون از آن جریمه را از آن شخص اربت و از او حبس نردم مقصود این است که این یک تکلیف فزای شده است که در هر مقامی که میشود در جواب همین کلمه را خواهند داد در صورتی که همیشه بعقوبت مضرب انسان بی می برد می بیند هیچ نبوده است و فتنه حرف افغز بوده می فرماید قانون مطبوعات باید به محاکم عدلیه رجوع شود بنده عرض می کنم بگذارید عدلیه شما سگر می دانید که عدلیه ای که مردم خونها در راه آزادی و مجلس و مشروطیت ریخته اند جوانها دادند تا این که اصلاحات گرفتند عدلیه بریا کرد سالان چه حال دارند.

این است که مطابق میل آنها که موکلین ما هستند رفتار بکنیم امروز هم در ماده قانون مطبوعات همین طور فرض فرمائید و بنده برای اینکه خارج نباشد عرض میکنم که در موضوع خود پروگرام اگر ملاحظه فرمائید می بینید که نوشته اند تا وقتی که معاکم عدلیه اصلاح بشود آنها را رجوع کنند به معاکم اداری و بنده می دانم که تا وقتی که فواین عدلیه نکذرد معاکم اصلاح نخواهد شد و چنانچه آقای وزیر عدلیه هم در اینجا معطل شده اند از برای گذشتن فواین عدلیه و دست بکار نزدند و تا وقتی که اصلاح معاکم بعمل نیامده است نمیتواند که در این خصوص رسیدگی بکنند از این جهت است که پیشنهاد کرده اند که به معاکم اداری رجوع بشود و این معاکم اداری را هم که گفته اند آن معاکم اداری نیست که آقای معده شام میرزا تصور می فرمایند بنده مراد معاکم ای است که وزارت معارف تشکیل میدهد و در اینجا صاحب جریمه را می آورند معاکم عدلیه معیارانش را مطابق قانون مطبوعات معین میکنند چنانچه در اینجا هم نوشته شده است و خواهش میکنم که آن دو ماده قانون اساسی را تکیه قرار بدهند و اصول قانون اساسی را چه میاورند و یک رای این را تمام میکنند خواهش میکنم رای بگیرید لایحه پیش این در این خصوص مسا کرده شود.

رئیس - کمان میگویم مذاکرات بقدر کافی بعمل آمده است.

و حیدر الملک بنده در اینجا عرض میکنم یک قسمت از طبق آقای حاج افرا را راجع به اهمیت مطبوعات یکی از بزرگترین اصول آزادی همین آزادی مطبوعات است که در تاریخ این مملکت همیشه می بینم که بهای آن تمدن عالیله خدمات فوق التصور کرده است و اهمیت را هم که امروز در دیدی تمدن دارا شده است هیچ جای تردید نیست بنده هم دفاع نمیکنم از مسدودت بعضی از مطبوعات شاید تجاوز کرده اند از حدود و تکالیف قانونی خود ولی از طرف دیگر عرض می کنم که مطبوعات همیشه بصورت و افکار یک ملت است و اگر مطبوعات ما از حدود قانونی خود تجاوز کرده باشند سایر اشخاص و تأسیسات هم از حدود خودشان تجاوز کرده اند ولی در اینجا بنده افتخار می کنم که مطبوعات ما فی الحقیقه در این یکسال و نیم آزادی جدید خیلی ترقی کرده است و قابل یک اهمیتی شده است مثل اینکه کسانی که جرایم خارجه را میخواهند و تلگرافات خارجه را می بینند پنهاناً بخاطر دارند که در خیلی مطالب مطبوعات ما را تلگراف می کنند بخارج راسفاده اطلاعی از آنها می کنند نه اینکه استفاده سوء و این فی الحقیقه یک افتخاری است برای ملت ایران اما چنانچه عرض کردم نمیتوانم منکر بشوم که مطبوعات ما تماماً بوظایف خودشان رفتار کرده اند ولی یک چیزی را هم بجزر می توانم عرض کنم که دولت تا بحال بوظیفه خودش عمل نکرده است و هر وقت که مطبوعات هیچ اقدامی در جلوگیری آنها نکرده است مثل اینکه هک شرف از خود

این مجلس کرده اند و فرشته است بمعاکم و آنطوری که باید دولت تماقب نکرده است از این جهت است که این تقصیر را بنده جداً بگردن دولت میگفتم که تا بحال هر چه شده است بواسطه مسامحه دولت بوده است ولی امیدواریم انشاء الله بعد از این تمام قوانین ما در این مورد وسایر موارد دیگری که قانون داریم بموقع اجرا بیاید و اما راجع باین تقاضای آقایان وزراء این تقاضا صریحاً نقض سه اصل از قانون اساسی میکند یکی اصل هفتاد و یکم متمم قانون اساسی که مرجع رسمی نظامات عمومی را دیوان عدالت عظمی قرار می دهد دوم اصل هفتاد و هفتم که معاکم تصدیقات سیاسی و مطبوعات را عینی می داند و مجرمانه بودن ارا با اتفاق آراء جمیع اعضاء معاکم راجع میکند سوم اصل هفتاد و شاهراده معده شام میرزا هم تصریح کرده که حضور هیئت منصفه رادر موقع معاکم لازم شمرده است حال هیئت دولت از ما تقاضا میکند که سه اصل قانون اساسی را در اینجا نقض بکنیم این لایحه هم چنانچه عرض کردم از اجتناب خارج است و اختیار ارا نداریم تا با این باید داشت که معاکم عدلیه قوانین اساسی راجع بوقایع معاکم اداری مختلف است بعضی از آنها که من جمله فرانسویه هستند و این معاکم اداری را در قانون اساسی خود ذکر کرده اند و آنها برقرار کرده اند و بعضی دیگر از قبیل بلژیکیها و امریکائیها و امثال آنها بکلی بر ضد معاکم اداری هستند و مرجع رسمی کلیه نظامات را معاکم عدلیه قرار داده اند و چنانچه عرض کردم قانون اساسی ما بر روی از عهده نیاوردی کرده است یعنی فواین و معاکم اداری را بکلی منکر و عدلیه را مرجع نظامات دانسته است فقط قانون اساسی ما از برای بشورارت خانه معاکم اداری قابل است که آن وزارت چنانچه است اهم از برای حفظ سیسیلین و نظامات جنگی و درآمده هشتاد و هفتم تشکیل معاکم نظامی را در تمام مملکت لازم دانسته است و از این رو معلوم میشود که فقط فواین اداری و معاکم اداری را قانون اساسی فقط باین وزارت خانه می دهد آقایان فرمودند که تا عدلیه ما منصفه نشود نمیتواند اجرای قانون مطبوعات را ازاد توقع داشته باشند بنده عرض میکنم که بنده هم در وزارت علوم معاکم اداری و قانون اداری سراغ ندارم تا این معاکم اداری را در اینجا بعمل بیاورند و این را هم بگذری خارج از جاده عملیات آقایان وزراء میدانم و بگذری کار خودشان را مشکل میکنند برای این که آنوقت که میخواهند صرف تأسیس یک معاکم موقتی در وزارت علوم و نوشتن چند ماده از برای اصول معاکم اداری بکنند در همان وقت معین میتوانند اینکار را در عدلیه بکنند و یکی از معاکم آچارا موقتاً طوری بکنند که موافق باشد با ترتیبات قانونی که هم مقاصدشان بعمل آمده باشد و هم کار خودشان را هم مشکل نکرده باشند و در این ضمن نقض صریح سه اصل از اصول فواین اساسی و جلوگیری از جریان قانون مطبوعات و آزادی آنها معاکم اداری و جمع معین این مطالب را ترتیبی که عرض کردم آقایان وزراء می توانستند درمست خیلی کنی نایل بشوند آنوقت هم ما را از این تشویش بیرون میاورند و هم پیشرفت

کار خودشان را آسان می نمایند پس بنده بهین ملاحظاتی که عرض کردم رد میکنم این ماده چهارم از مقدمه پروگرام آقایان وزراء را و تصویب نمیکنم.

هتین الساطنه - چیزی که از تمام این مذاکرات معلوم می شود این است که آقایان محترمی کدر اقلیت هستند ما این هستند بموجب فواین که داده بودند بعد از آن از این گرسی نطق استفاده بکنند این راه می بینیم و قابل تحسین است ولی امیدوار هستم در این نوع کارهایی که پیش می آید آقایان قضاة نظریات خودشان را در همان مطلب بگویند و از فلسفه فواین یا فلسفه مواد که میگذرد مذاکره نکنند و مخصوصاً اصول فواین اساسی سایر جاهارا از برای ما مثل نیاورند. نماینده محترم آقای وحید الملک معلوم است خیلی زحمت کشیده اند برای اینسکه در این چند روز چنانچه خودشان هم فرمودند علاوه بر اینکه فواین اساسی ما را حفظ کرده اند قوانین اساسی اقلیتی را هم که هیچکدام از آنها مربوط به این موضوع نبود و موادی را که در اینجا نوشته شده است البته محدود خواهد بود بوقایع اساسی خودمان لکن چیزی که خیلی جای تعجب است این است که در تمام این مدت ما این قوانین اساسی را داشتیم و کمان میگویم که اگر یکی از مواد پروگرامی که به کابینه قبل داده شد اگر خواننده شود همین اختیارات فوق العاده بود و اینجا هم رأی داده شد و حال اینکه ممکن بود در آنجا هم همین اشکالات باشد و آن هم این ماده چهارم از پروگرام آن کابینه است که اختیارات بکابینه قبل داده اند و آقایان رأی داده اند و اگر بخواهند اساسی آنها را بنده می خوانم ماده چهارم از مجامع و مطبوعات که موجب فساد باشد بقوه قهریه جلوگیری خواهند شد این ماده رادر اینجا وضع می کنند و رأی می دهند و فواین اساسی را فراموش می کنند و در این موقع می خواهند قانون اساسی را بوقوع اجرا بیاورند - در هر صورت بنده گمانم این است که اگر چنانچه پیش از این داخل در این مذاکرات شده متوسل بقوانین اساسی نشویم بهتر خواهد بود و الا چنانچه بخواهیم مذاکرات کنیم شاید بعضی مطالب باشد که راجع به این موضوع نباشد ولی غیر مستقیم مربوط به این کار باشد و مذاکره آنها باعث تضییع وقت مجلس بشود چنانچه در سر سه کلمه علی ای نحو کان آلا یک ساعت است کدر اینجا مذاکره می شود و آلا قانون مطبوعات اگر اجرا بشود و بوقوع اجرا بیاید صحیح است که جلوگیری از خیلی مقاصد خواهد شد ولی در اجرای آن چنانچه به تجربه گذشته بما می آوزد نات میشود که معاکم عدلیه شایستگی و لیاقت رسیدگی به این امر را ندارد و اگر میگویند تا اصلاح عدلیه بعمل بیاید جرایم یکی توقیف بشود یا این که مختار باشند و هیچ وجه از تمديات آنها جلوگیری نباید کرد این هم یک مطلبی است که کمان نداریم آقایان نگویند پس حق مقصود واقعاً جلوگیری از تمدياتی است که از بعضی از صاحب قلمها ناشی می شود و بهتر این است که در این باب پیش از این مذاکره نکنیم وقت خودمان را بیش از این بذکر اصول فواین

اساسی خودمان و فواین اساسی دول اروپا ببنده رسیدیم.

رئیس - کمان می گویم که مذاکرات بقدر کافی بعمل آمده است.

رئیس - رأی میکنیم.

آقایان که مذاکرات را در این ماده کافی می دانند و تصویب می کنند که از این ماده بگذریم و داخل در پروگرام بشویم قیام نمایند.

رئیس - با اکثریت (۴۹) رأی از هفتاد و شش نفر تصویب شد. حال شروع می کنیم بمذاکره در مواد پروگرام.

ماده اول - اتخاذ و ضابط لازم برای تکمیل امنیت.

سلیمان میرزا - این ماده اول پروگرام است - اگر آقای متین الساطنه بعد از این بخواهند اقلیت را از حرف زدن مانع بشوند عرض می کنم اتخاذ و ضابط لازم برای تکمیل امنیت این بیته یک مطلب عمومی و مهمی است مثل مواد انتلاقیه بلوک از مواد انتلاقیه بلوک هیچ نمی شود حقیقتاً یک مطلب مستقیم صحیحی استفاده کرد قابل همه نوع تأویل و تفسیر است چنانچه بیوانی دانم آیا مقصود از این عبارت که تقریباً مثل آن هفت ماده پروگرام بیست ماده انتلاف می ماند که یک چیزی است مبهم و یک مطلب مستقیم از آن بیرون نمی آید چیست آیا اتخاذ و ضابط لازم برای تکمیل امنیت بعد از آن که تمام مواد مخالف مشروطیت و مانع جریان امور دولت بطوری که در مقدمه ذکر شده که مواد فساد را تماماً بمن کفایت بر داشتند و هیچ اشکالی باقی نمی ماند و مجازات درموارد جنحه و جنایات و تقصیر بهر قسم که لازم بود دارند و آزادی جرایم را بموجب همان مواد و یک ماده دیگر که آقای وحید الملک فرمودند از حقوق ملت است که هیچ فردی از افراد ملت از محاکمه به محکمه دیگر نمی توان برد اما - حالا داریم می ریم از محکمه عدلیه به محکمه مهور - بعد از آن که این راهم گرفتند و در باب جرایم نتوانستند اعمال وزراء را هیچ تنقیدی بکنند پس تمام این کارها را کردند از مقدمه خلاص شدیم رسیدیم به اصل مقصود بعد از آنکه همه اینکار ها را به مبارکی و میمنت هیئت کابینه کرد آن وقت چه لازم دارد کابینه اتخاذ و ضابط لازم برای تکمیل امنیت بنده می خواستم بدانم اولاً مقصود از این ماده چیست و آنوقت بفهمم موافقم یا مخالف زیرا که هنوز هیچ نمی فهمم.

وزیر داخله - بنده هیچ گمان نمی کردم که در باب این ماده اول پروگرام یک نفر از نمایندگان محترم خودشان را زحمت بدهند و بیایند پای تریبون این ماده خیلی سهل است و ساده اما ممنون شدم که توضیح خواستند تا اینکه اسباب دغدغه خاطر هیچیک از آقایان نباشد بعد از آن که آن چهار ماده در مقدمه ذکر شد که آن چهار ماده را کابینه لازم داشت که پروگرام اجرا شود آنوقت

داخل شدند در حقیقت بعملیات اتخاذ و ضابط لازم برای تکمیل امنیت این هیچ پوشیده و پنهانی ندارد و سبلی که به آنها می شود امنیت را بر قرار کرد آن چیست و قشون است امنیه است در راهها قشون است در نقاط مختلفه نظمی است در شهرها انتخاب اعضاء و اشخاص خوب برای اجرای اوامر دولت هیچ چیز دیگر نیست البته امنیت را که همه می دانند که اس اساس مقاصد ملی است و اگر هم ادها بکنیم که امنیت بدرجه کمال است همه محتاج به تکمیل آن نخواهد بود آن يك ادهای واهی خواهد بود برای اینکه حتی در ممالک متقدمه که اسباب و اشخاص کافی دارند باز هم در صدد این هستند که امنیتشان را بهتر بکنند و ما ما البته محتاج تریم باین امنیت و وسایل هم همین است که عبارت از اشخاصی است باسم نظامیه در شهرها و باسم امنیه در طرق و شوارع و باسم قشون در مواردی که دولت لازم بدانند حفاظت امنیت بشاید تکمیل امنیت خواهد کرد بواسطه اشخاصی که بتوانند از همه خدمت بر آید.

رئیس - مخالفی نمی بینم می گذریم بماده دوم.

ماده دوم - تشکیل اردوهای سیار و ساختن در نقاط لازمه مطابق لایحه و بودجه که بمجلس پیشنهاد شده است.

سلیمان میرزا - همین قدر می خواستم عرض کنم که این جزو ماده اول است چیز ازادی نیست **وزیر داخله -** اما چون اهمیت کلی دارد این مسئله قشون و مرکب است از ساختن و سیار و برای اینکه معلوم شود که کابینه جدید بکافیتهای مخصوصی خواهد داشت باین کار امنیت کدر یک ماده دیگری آرا گذاشت.

رئیس الوزرا - پیشنهادم شده بوده ماده سوم - حفظ و تشدید روابط حسنه با دولت متحابه.

سلیمان میرزا - البته حفظ و روابط حسنه با دولت متحابه چیزی است که باید در پروگرام وزراء باشد و هیچکس هم با این مخالف نیست و لکن در آن تشدید مبانی اتخاذ شده اشکال داشتیم و توضیح می خواستم و بهلازه این موقع را مقتضای مناسب می دانم که پولتیک اقلیت را برض آقایان برسانم هر چند که این مطلب را در آن نطق افتتاحیه عرض کردم ولی در مجلس نخواندم برای اینکه وقت مجلس را تلف نکرده باشم بهیئت رئیس تقدیم کردم که در جرایم طبع شود ولی چون هنوز بطبع نرسیده است عین همان را نوشتم و می خوانم تا اینکه معلوم شود بعد از چند کلمه نسبت بروابط خارجه همیشه دو قسم یکتی ممکن است فرض کرد یکی پلتیک استقامتی یکی پلتیک محبوبیت و حالا برای پلتیک حزب اقل این چند نظر را که نوشته ام میخوانم بدقت کلمه بکلمه بنده میخوانم و آقایان تند نویسان هم بدقت بنویسند معلوم است که امروز موقع سیاسی مملکت مایچه اندازه باریک و چشمهایی که از اطراف آن دوخته شده

است بجهت اندازه حریص است در مقابل این حرص و طمع و باوجود باریکی موقع پلنگ فرقه ما نسبت بخارج پلنگ استقامت و ندادن حقوق خود از دست و تسلیم نشدن به مستحبات فرقه و مطالبه کردن از دیگران که با ما مثل آنها و مثل مثل مسئولین رفتار نمایند و جد کردن در رفع تعذبات آنها بدست خود ملت و بهر وسیله که وجدان ملت آن را روا بیند عقیده ما بر آن است که ایران باید اگر نمی تواند که بجهت عدم وسائل و اسباب آن مقاصد خود را از پیش ببرد اقلان نباید که چنان مطلوب رعب گردد که خود بطبیع خاطر حاضر برای تسلیم دیگران گردد - همین است پلنگ اقلیت در موضوع روابط خارجی

حاجی عز الممالک - این مسئله اگرچه گویا مذاکره نداشته باشد آقای وزیر امور خارجه خوب می توانند جواب بدهند و هم مختصر آری توانم عرض بکنم که این ماده که اینجا نوشته شده هیچ انت مرعوبیتی نداشت و به این دلیل نیست که گفت که چون استقامت داریم از یک کابینه دیگری مرعوبیت داشته باشیم البته آنطور که در پروگرام هیئت ائتلافیه این مسئله بوده است هیئت کابینه باید مقاصد آنها را تعقیب نمایند و در باب آن اظهاری که فرمودند که مواد ائتلافیه هم بود گمان نمی کنم ابهامی داشته باشد البته پلنگ استقامتی هیچ مرعوب نیست که مرعوبیتی در مقابل داشته باشد.

سلیمان میرزا - این محقق است و همه میدانند که اثبات چیزی نمی چیز دیگری را نمی کند این هیچ مانع از این نخواهد بود که کابینه ای که به اکثریت تشکیل شده است پلنگ استقامتی نداشته باشد.

وزیر امور خارجه - بنده در این باب البته رای و اظهار شاهزاده سلیمان میرزا را تصدیق می کنم هر دولتی باید برای حفظ حدود و حقوق خودش استقامت داشته باشد اما این نکته را باید ملتفت بود که استقامت در یک مسئله سوء استعمال نباید بشود کار را بجای رساند که این ادعای استقامت روابط رضایع کند البته هر دولتی باید حق خودش را بگیرد و حق دیگران را بشناسد ما ما اگر بخواهیم حق دیگران را بشناسیم حق خودمان را هم نمی توانیم بگیریم معنی استقامت را شاید تصور کرده اند که برای حق خودمان ایستادگی بکنیم و برای دیگران یک حقی تصور کرده اند و حال آنکه اینطور نیست ما وقتی که بخواهیم ایستادگی بکنیم برای یک حق لابد دیگران هم ایستادگی نمی کنند برای حق ما و نایجاد اسباب یک زحمات بزرگ طولانی خواهد شد پس این است که استقامت در حقوق مملکتی از این باب خیلی مقدس است و باید تمام ملت به آن نیت حاضر و عاظم باشند و لکن بطوری که آن نیت ممانعت و با ملاحظه اطراف و با حسن مناسبت بکار رود اینک بطوری بشود که منجر زحمات بزرگ و بجای این که بخواهیم خیالی در انجام بهمیم مقاصد و مهمات فعلی خودمان را بریاد بهمیم اینطور نباید باشد پس این مسئله را بنده هم تصدیق دارم و این که

امروز در این پروگرام عرض شد و نوشته شده است که حفظ و تشدید روابط حسنه با دول متحابه این ملاحظه است که در تمام دول دنیا امروز محل کمال دقت نظر است کابینه های تمام دول معظه با آن همه افتداری و استقلال و عظمتی که دارند سعی در اینکه روابط خودشان را با دول تا آن اندازه ای که ممکن است دوستانه و نزدیک تر بکنند که بواسطه آن روابط بتوانند بیشتر انتفاع ببرند پس این مسئله با آن نیست و اظهار شاهزاده سلیمان میرزا انشاء الله بالاتفاق که اعمال شود نتایج خیلی خوب خواهد داشت.

ماده چهارم - تعقیب استعراضی که کابینه سابق به مجلس پیشنهاد کرد و از تصویب کمیسیون قوانین مالیه گذشته است.

رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا در این باب اظهاری دارید ؟

سلیمان میرزا - عقیده خودم را در وقتی که لایحه این مطلب به مجلس آمد عرض خواهم کرد.

ماده پنجم - پیشنهادیه دوجه کل (اظهاری نشد) ماده ششم - شروع به اصلاحات مالیه با مستخدمین خارجه.

ارباب کبشور - چون در سابق در مجلس گذشت قریباً مالیه برای بعضی ادارات دیگر مستخدمین خارجه بخواهند و آنچه بنده نگاه میکنم اینجا فقط برای اصلاح مالیه مستخدمین خارجه خواهند آورد خواستم توضیح بخواهم ملت اینکه در هیچیک از مواردی که ذکر شد در مقدمه و اینجا چرا اسمی از مستخدمین خارجه نبرده اند.

وزیر داخله - اینکه در ماده اول گفته شده است اتخاذ سائل لازم برای تکمیل امنیت البته اداری که به اسم نظریه و امتیاز غیره در مملکت نیست باید در مملکت دایر باشد و البته شروع به اصلاحات این دو اداره نظریه و امتیاز بواسطه اشخاصی که از فرانکستان خواسته شدند خواهد بود اینرا زائده دانستم که عرض کنم برای آنکه اگر مقصود فقط به این بود که در مملکت یک نظریه و امتیاز داشته باشیم که حالا داریم ولی برای تکمیل آنها البته وسائل و اسباب لازم خواهد داشت و البته با آنها شروع به اصلاحات خواهد شد.

ماده هفتم - تجدید نظر در مالیات ملک معض رفع معایب و مشکلاتی که از این مالیات برداشت و اهالی حاصل شده است.

سلیمان میرزا - بنظر بنده در موضوع مالیات ملک چنانچه از طرف فرقه پیشنهاد کرده اند بحدف است نه تجدید نظر بنا برین مخالف هستم در عمل مالیات یعنی اگر یک تخفیفی در آن داده شود با اصلاحی در آن شود بنده حزب دموکرات تقاضای حذف این را کرده ایم و پیشنهادی هم در این باب تقدیم شده است.

معدنی که مال دولت است اختصاص باو خواهد داشت و چیزی که دولت دارد مثل چیزی است که سایر ممالکین دارند.

رئیس - در این باب گمان نمی کنم بیش از این مذاکره لازم باشد ماده هشتم فرات می شود.

ماده هشتم - تشکیل هیئت مخصوصه برای تدارک لایح قوانین موقتی در مواردی که هنوز وضع قانون نشده و مجال انتظار گذشتن قوانین از مجرای خود نیست.

لایحه - بنده با مداول این ماده مخالفت ندارم ولی باید جزو آن مخالف هستم اینک قید شده است لایحه مزبوره بتصویب کمیسیون مجلس شورای ملی خواهد رسید اینرا بنده اینجا زیاد میدانم زیرا کمیسیون چیزی است موقتی هر روز تغییر و تبدیلی پیدا میکند و از این گذشته از مدت دوره تقنینی چیزی باقی نمانده است و پس از چندماه منقضی میشود و ما انتظار داریم که وزیر تا یک مدت مدیدی یعنی تا دوره آتی مشغول کار باشند و ممکن است بین دو دوره تقنینیه مدتی طول بکشد و برای تصویب کردن قوانین و کت کردن وزراء کمیسیون نباشد و همیشه قوانین باید وضع و اجرا شود در هر حال اگر هم باشد کمیسیون مرکب است از پنج شش نفر از اعضای مجلس اینکه پنج شش نفری بنشینند در خارج و رأی بدهند نمیتوان مربوط مجلس دانست مجلس وقتی میتواند مطالب را تصدیق بکند که در مجلس علنی با حضور تمام و کلاه با اکثریت تصویب شود در این صورت تصویب کمیسیون مجلس شورای ملی یک زحمت فوق العاده ای خواهد بود چنانکه معمول همین است اشخاص که بجای شورای ملی معین کرده اند بترتیب موقتی بنویسند و بتصویب آقای نایب السلطنه برسانند و امضاء فرمایند کافی است از برای آنکه حکم بکانون موقتی را داشته باشد تا وقتی که قانون دائمی او بترتیب لازم از تصویب مجلس بگذرد بلاوجه هیئت شورایی دولتی و هیئت وزراء همیشه میتواند چیزی را بعنوان (دیگر) فرمان همایونی خودشان تصویب کند و اجرا بشود.

وزیر عدلیه - این ایرادی که آقای فهم المملک در باب قوانین موقتی و اینکه تصویب کمیسیون لازم نیست فرمودند در خود مجلس وزراء هم مذاکره شود ولی نظر باینکه این قوانین امروزه باید یک طوری ترتیب بشود که فی الواقع قائم مقام قانون باشد و برای اینکه بیشتر محل توجه شود و بیشتر در وقت اعمال آن قوانین با لایحه آن قوانین دقت بشود مجلس وزراء اینطور تصویب کردند که یک هیئت لایحه قانونی آن را تصویب بکنند و یک هیئت دقت بکنند در آن لایحه بجهت اینکه شکی نیست و بتجربه رسیده است که یک لایحه را که هیئتی تشکیل بدهد هر طور باشد خودش طرفدار آن لایحه میشود و نمی تواند که در آن لایحه نظر بیطرفانه و آن دقتی را که لازم است بنماید و از طرف دیگر یک ملاحظه دیگر هم داشتیم برای اینکه میدانیم آقایان نمایندگان محترم که تقریباً هیچده ماه است که مشغول اینکار قانونگذاری هستند و بتجربه و بصیرت پیدا کرده اند بیشتر صلاحیت این امور را دارند تا اینکه ما

سلیمان میرزا - بنظر بنده در موضوع مالیات ملک چنانچه از طرف فرقه پیشنهاد کرده اند بحدف است نه تجدید نظر بنا برین مخالف هستم در عمل مالیات یعنی اگر یک تخفیفی در آن داده شود با اصلاحی در آن شود بنده حزب دموکرات تقاضای حذف این را کرده ایم و پیشنهادی هم در این باب تقدیم شده است.

حاج عز الممالک - اینجا بنده تعجب میکنم که معدنی که مال دولت است چهار مالیات آن حذف شود و یک مالیاتی وضع شده است حالا میخواهند یک تجدید نظری بکنند در این صورت همین ماده صحیح خواهد بود نه حذف.

سلیمان میرزا - ایشان حذف را تصور کرده اند که ملک دولت را که ملک باشد بگیرند بنده حذف انحصار و در ترتیب فروش او را عرض کردم والا

در اداره دیگری یک هیئتی را تشکیل بکنیم که دقت در آن قوانین بنمایند و ما می توانیم بدون اینکه بخودمان زحمتی بدهیم باینکه هیئتی بیاوریم که بر بودجه دولت یک مبلغی خرج افزوده شود از بصیرت و تجربه نمایندگان استفاده کنیم و یک ملاحظه دیگر این جا هست راست است که همین طور که آقای فهم المملک فرمودند یک قسمتی از این لایحه موقتی نظامنامه هائی است که در سایر جاها مشهور است به [دکتر وورگلمان] که آنها را خود شورای دولتی با هیئت وزراء مرتب موقع اجرا می گذارند یعنی نظامنامه هائی که برای جزئیات قانون لازم است ولی بنده این جا عرض کردم و هم چنین نقطه نظر آقایان وزراء و رفقای بنده همین است که ما در این خصوص با احتیاط رفتار بکنیم همچنین تجربه هائی که در این مدت کرده ایم تمام نایب می کند که باید تا در این مسئله با کمال احتیاط رفتار بکنیم علی الخصوص تجربیات این چند وقت اخیر یعنی از یک سال بآن طرف آن تجربیات با مداول می کند که باید یک طوری رفتار بکنیم که سوء استعمال از این جهت نشود اگر بنا باشد که نظامنامه ها در خود وزارتخانها ترتیب بشود بنا تغییرات کابینه این نظامها تغییر خواهد کرد و امروز عقیده بنده اینست که ما هیچ قانون نداشته باشیم بهتر از این که یک قانون بنویسند و زود بزود تغییر کند بجهت اینکه تا اشخاص و آحاد و افراد مردم بخواهند عادت بکنند به یک قانونی یک ترتیب دیگری روی کار خواهد آمد چنانچه نظیر این دیده شده برای جلوگیری از این ترتیب لازم است که این نظامنامه ها هم در یک هیئتی تقبیل شود و بعد از این که از مجلس شورای ملی و تصویب وزراء گذشت برود بمقام نایب سلطنت بگذرد تا اینکه رفع این مشکلات را بکنند و این راهی ندارد مگر اینکه همان طوری که اینجا نوشته شده است و لایحه قانون موقتی هم طی مراحلی که معین است بکنند تا قانون موقتی بشود نظر باین چند نکته ای که عرض شد این ترتیب را به هیئت وزراء اصلاح میداند و همین جهت است که در این ماده اینطور قید شده است.

سلیمان میرزا - بنده هم همان اشکال آقای فهم المملک را داشتم چون ایشان فرمودند محتاج به تکرار نیست.

رئیس - مخالف دیگری نیست و روند بمانده هم مواد هم و هم بترتیب ذیل فرات شد (و اظهار مخالفتی نشد).

ماده نهم - اصلاح عدلیه یا تدارک ترتیبات مقدماتی که لایحه آنرا وزیر عدلیه موافق ماده (۸) این پروگرام کمیسیون عدلیه پیشنهاد خواهد کرد.

ماده دهم - اصلاح مدارس ابتدائی و متوسطه موجوده حتی المقدور اجرای پروگرام متحد در کلیه مدارس و تأسیس مدرسه دارالعلمین در تهران مطابق پیشنهادی که خواهد شد.

ماده یازدهم - توجه به امر تجارت گذراندن قانون شرکت ها - پیشنهاد لایحه قانون اطلاق های تجاری.

مشور حضور - بنده گمان میکنم که در مشروطه سفیر لایحه قانونی اطلاق تجارت گذشته بود

از وزیر تجارت سؤال میکنم که اگر آن قانون را دارند که دیگر محتاج نیست به اینکه قانون دیگری پیشنهاد کنند.

وزیر داخله - آن قانون در آنوقت پیشنهاد شده بود در مجلس بود و آقای رئیس هم آن وقت وزیر تجارت بودند و تصور میکنم که هنوز رسمیت قانونیت پیدا نکرده یعنی بصره همایونی نرسیده بود و در هر صورت آن قانون سمت قانونیت پیدا نکرده است حالا این لایحه یا لایحه دیگری پیشنهاد خواهند کرد.

رئیس - همین طور که آقای وزیر داخله فرمودند لایحه ای بنده به مجلس پیشنهاد کردم و از مجلس گذشت ولی بصره نرسید و بعد هم آن قانونی که گذشته بود بدست نیامد حالا باید به هیئت وزراء یک قانون دیگری پیشنهاد کنند.

ماده دوازدهم - پیشنهاد اصلاح قانون بلدیه.

رئیس - مخالفی نیست مذاکرات در باب پروگرام وزراء تمام شد حالا بنام آن رأی میکنیم چند نفر از آقایان تقاضا کرده اند که رأی علنی باید به اوراق گرفته شود اسمشان را بنده میخوانم.

حاجی عز الممالک - آقای میرزا رضای مستوفی - آقای آدینه محمد خان - آقای معاضد الملک - حاجی شیخ اسدالله - لواء الدوله - بهجت - معاضد السلطنه - حاجی سید ابراهیم - آقای میرزا اسدالله خان موافق نظامنامه داخلی باید رأی علنی به اوراق گرفت.

آقای آدینه محمد خان - آقای معاضد الملک - حاجی شیخ اسدالله - لواء الدوله - بهجت - معاضد السلطنه - حاجی سید ابراهیم - آقای میرزا اسدالله خان موافق نظامنامه داخلی باید رأی علنی به اوراق گرفت.

وزیر امور خارجه - بنده تصور میکنم که این مسئله اگر باشد تا وقتی که وزیر مالیه بروند سر کار و با اصلاحات جدید میداد باید در مجلس و مذاکره شود بهتر است عجلاناً قوانینی که داریم اگر آنها بگذرد بهتر است.

هشترودی - دهخدا - آقای میرزا مرتضی قلیخان دکتر امیرخان - آقای شیخ علی شیرازی - متین السلطنه حاجی محمد کریم خان - آقای سید حسن مدرس - لواء الدوله - آقای شیخ حسین یزدی - کاشف - معتمدالتجار.

اشخاصی که رد کرده اند : آقا شیخ غلامحسین - منتصر السلطان - آقا میرزا احمد - علی زاده - آقای سید حسین اردبیلی - آقای سید جلیل - آقای سید حسین کرازی - وحید - الملک - آقای سید محمد رضا - سلیمان میرزا - آقای شیخ ابراهیم - محمد هاشم میرزا - ابوالقاسم میرزا - آقای شیخ رضا - آقای میرزا داود خان - ضیاء الممالک - نجم آبادی.

رئیس - با اکثریت چهل و هفت رأی از هفتاد و سه نفر نمایندگان تصویب شد.

فهم المملک - بنده تصور میکنم که این مسئله اگر باشد تا وقتی که وزیر مالیه بروند سر کار و با اصلاحات جدید میداد باید در مجلس و مذاکره شود بهتر است عجلاناً قوانینی که داریم اگر آنها بگذرد بهتر است.

سلیمان میرزا - حالا که وزیر مالیه اینجا تشریف دارند اگر محتاج باشد بشدید نظر خوب است خودشان بفرمایند.

وزیر مالیه - بنده عقیده ام این است که حالا زود است این را بنده مطالعه میکنم و با نظرات مجدد پیشنهاد خواهم کرد.

رئیس - ثانیاً تقاضای آقای حاجی سید ابراهیم بصرای اخذ سوار از ایلات برای چه روزی تقاضا می فرمایند.

حاجی سید ابراهیم - برای روز شنبه **عز المملک** - بنده تصور میکنم که این مسئله اخذ سوار از ایلات هم همان حکم مسئله خالصجات را دارد خوب است اینهم باشد تا وزیر جنگ یک مطالبات شخصی در اینکار بکند و مجدداً پیشنهاد بکند.

رئیس الوزرا - وزیر جنگ بنده هم همانرا میخواستم بگویم.

رئیس - ثالثاً تقاضای محمد هاشم میرزا در باب انتخاب کسر اعضای مجلس و کسر اعضاء کمیسیون نظامنامه انتخابات آنچه راجع به انتخاب اعضاء کمیسیون نظامنامه انتخابات است از شعبات قدیم باید معین بشود موافق نظامنامه داخلی پس از حالا اعلام میکنم که بعد از ختم جلسه علنی آقایان تشریف ببرند بقدر هفت هشت دقیقه در اطاق تنفس مشغول اینکار بشوند اما راجع به انتخابات کسر اعضای مجلس.

محمد هاشم میرزا - بنده تقاضای خود را در باب انتخاب آنها پس میکنم.

رئیس - پس دستور جلسه شنبه و سه شنبه همان است که عرض کردم.

مجلس یک ساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۲۴۵

صورت مذاکرات روز شنبه ۱۶ شهریورماه اولی ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و ربع قبل از غروب آفتاب در نعت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید. صورت جلسه قبل را آقای معاهد الملک قرائت نمود.

(غائبین جلسه قبل)

حاج وکیل الرعایا - صدراعظم بدون اجازه حاج سید نصرالله - طباطبائی - معزالملک کاشف حاجی شهبلی - سردار احمد - مرتضی قلیخان یغتیاری از موقع مقرر.

رئیس - ملاحظاتی هست بفرمایید.

صدرالعلماء - بلی بنده توسط اداره مباشرت بهیئت رئیسه نوشته بودم که تپداشتم.

رئیس - در این باب خوب بود با اداره مباشرت رجوع میفرمودید.

آریاب کبخسرو - بعضی راه را از اینجا قید کرده اند ولی در همه جا قید نکرده اند از چند نفر نمایندگان حاضر متلاچند رأی خوب بوده همه را همانطور که قید شده است مینوشتند.

رئیس - قید شده است.

آریاب کبخسرو - در چند جا هیچ قید نشده است که از چند نفر حضار.

محمد هاشم میرزا - در صورت مجلس نوشته است که طهمان میرزا و وحید الملک و محمد هاشم میرزا اظهار مخالفت کرده اند در یک ماده هر سه را بهم عطف کرده در صورتیکه بعضی از مطالبی که آقایان فرمودند بنده هیچ تکلفم مثل اینکه بنده از قانون اساسی فرانسه هیچ اطلاعی نداشتم و این مطالب با یکدیگر مخلوط میشود و مفهوم نمیشود که ما هر سه نفر همان ملاک را تکرار کرده ایم و هر چه آنها گفته اند بنده گفته ام اینطور صحیح نیست باید بنویسند که فعلا درجه خصوص را گرام میخوانند بنویسند این یک مطالبی است.

رئیس - اگر بنا باشد نطق هر کس را جدا نوشت آنوقت باید صورت مشروع بنویسیم و یا صورت مشروع مجلس را اینجا بنویسیم آقایان نمایندگان که حضور داشتند در جلسه گذشته مسیوق هستند که چنین حرفی را شما ازید و اگر میخواهید بدانید که شما چه گفته اید در صورت مشروع مجلس معلوم میشود و موکلین سرکار که صورت مشروع را در روزنامه رسمی میخوانند که شما چه نطقی کرده اید صورت مجلس را که نخوانند خوانند چیزی را که میخوانند صورت مشروع مجلس است حالا با وجود این اگر مجلس صلاح میدانند که هر چه هر یک از آقایان گفته اند بطوریکه در صورت مشروع نوشته میشود علیحده علیحده نوشته شود یعنی یک

صورتی که تقریباً صورت مشروع مجلس باشد بنویسند و بخواهند هیئت رئیسه هر طوری که مجلس صلاح بداند رفتار مینمایند.

لواء الدوله - بنده برخلاف ایشان میخواستم عرض کنم که این صورت مجلس خیلی مشروع و مفصل است نوشتنش را بنده کاری ندارم ولی در خواندنش يك اندازه رعایت شود که مختصراً خوانده شود.

رئیس - بنده با این رأی هم همراه نیستم بجهت اینکه تا يك اندازه يك چیزی که سندیت دارد باید در صورت مجلس باشد و خوانده شود که زیاد نباشد که آنقدری که نوشته میشود خوانده شود یا اگر يك اندازه از آن زیاد است حذف شود.

مشیر حضور - چون پروگرام يك اهمیتی فوق العاده داشت تقاضا میکنم سامی تصویب کنندگان فوق العاده ذکر نشود.

رئیس - فوق العاده نمیشود عرض کردم که ضمیمه شود در صورت مشروع مجلس و بعد در روزنامه رسمی نوشته خواهد شد دستوراً روز قانون اساسی معارف و قانون ثبت اسناد بعد قانون منع احتکار است.

وزیر عدلیه - تقاضا میکنم قانون ثبت اسناد را جلو بیندازید.

رئیس - اگر مخالفی نیست جلو میاندازیم (گفتند مخالفی نیست)

رئیس - شورد ثانوی قانون ثبت اسناد از ماده (۳۸) الحاقی کمیسیون.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - چون این چند ماده الحاقی است بنده فوراً آنرا تقاضا میکنم که رأی گرفته شود.

رئیس - این مواد در کمیسیون ثانی الحاق شده است.

زنجانی - بلی در دفعه ثانی الحاق شده است و شور اول است ولی بنده تقاضا میکنم که فوراً رأی گرفته شود.

رئیس - خوب است دلایل فوریت را بیان کنید.

زنجانی - مقصود این است که این چندان تأملی ندارد که در شور لازم باشد در همین شور مذاکره شد رأی گرفته شود.

رئیس - رأی میگیرم آقایانکه با این تقاضا که فوراً این چند ماده الحاقی است موافقت فرمایند.

با اکثریت ۴۱ رأی از هفتاد و یک نفر تصویب شد (ماده ۱۳۸ الحاقی کمیسیون بهضمون ذیل قرائت شد).

ماده ۳۸ (مقصود از تأسیس دفتر کل حفظ دفاتر) ماده ۲۹ و نمونه های امضا و نقش مهر مباشرین ثبت و نمونه های امضای مدیران ثبت و نقش مهر دفاتر را کد است.

معزالملک - نمونه ها غلط است نمونه نوشته شود بهتر است.

حاج سید ابراهیم - يك كلمه مقصود بنده بود که دفتر عایدات اداره ثبت اسناد لازم است که نوشته شود والا دفتر مطلق عایدات که نیست.

وزیر عدلیه - دفتر عایدات اینجا کاری است معلوم است که اداره ثبت اسناد است.

رئیس - رأی میگیرم آقایانی که ماده ۴۲ بترتیبی که خوانده شد موافقت فرمایند بنده با اکثریت (۶۰) رأی تصویب شد.

نص چهارم - ماده ۴۷ لایحه وزیر یا فصل چهارم و ماده ۴۳ کمیسیون بهضمون ذیل قرائت شد.

ماده ۴۷ وزیر - مباشرین و مدیرهای ثبت و معاونین آنها در تحت نظارت آن محکمه ابتدائی هستند که در حوزه آن واقعند.

ماده ۴۳ کمیسیون - مباشرین و مدیرهای ثبت و معاونین آنها در تحت نظارت آن محکمه ابتدائی هستند که در حوزه آن واقعند.

شیخ ابراهیم - يك چیزی هم زیاد شود لازم است این جا مدیر کل مستقیماً در تحت نظارت وزارت عدلیه است.

وزیر عدلیه - لازم نیست در جای خودش ذکر خواهد شد.

شیخ الرئیس - عرض می کنم چون آرزو منم که مدیران بعد از این ذوالعقول باشند مدیرها غلط است.

آقا شیخ ابراهیم - بعقیده بنده این ضمیمه لازم است چون نظارت را در سایر جاهان تعیین کردیم و در اینجا هم لازمست که مدیر کل در تحت نظارت وزیر عدلیه باشد.

رئیس - باید بنویسید و پیشنهاد کنید - پیشنهاد آقا شیخ ابراهیم قرائت شد بهضمون ذیل که بدیل ماده (۴۳) الحاقی شود و مدیر کل مستقیماً در تحت نظارت وزیر عدلیه است (ابراهیم)

وزیر عدلیه - بنده این را زیاد میدانم برای اینکه نوشته شده است در قانون تشکیلات که در دفتر دار کل در مرتبه مساوی است با عضو محکمه استیفاء و مباشرین و مدیران ثبت در تحت نصارت عضو محکمه ابتدائی است و او را بدی است که بنویسیم در تحت نظارت محکمه ابتدائی هیئت باین جهت زیادی است حالا اگر میخواهید بنویسید توضیح واضحات است.

رئیس - حالا می خواهید این بر کردد کمیسیون باین که در قابل توجه بودن آن رأی بگیریم

آقا شیخ ابراهیم - بنا بر مایش آقای وزیر باید این در تحت نظارت رئیس محکمه استیفاء باشد و هم چنان که اعضای محکمه استیفاء در تحت نظر رئیس محکمه استیفاء هستند بنده نظر باین است که بلا واسطه مدیرش در تحت نظارت وزیر عدلیه باشد بهتر است و تقاضا می کنم برود به کمیسیون.

رئیس - پس بنا بر تقاضای مقرر این ماده خواهد شد.

میرود کمیسیون - ماده ۴۴ قرائت میشود ماده ۴۸ وزیر - با ماده ۴۴ کمیسیون بهضمون ذیل قرائت شد.

ماده ۴۸ وزیر - محکمه ابتدائی حق دارد که در صورت لزوم بتوسط یکی از اعضاء خود و بتوسط مأمور مخصوص دفاتر ثبت اسناد حوزه خودش را تقشیش نموده صحت و یا عدم آنرا تعیین کند.

ماده ۴۴ کمیسیون - محکمه ابتدائی در صورت لزوم باید بتوسط یکی از اعضای خود یا توسط مأمور مخصوص دفاتر مباشرین و مدیرهای ثبت حوزه خود را تقشیش نموده صحت یا عدم آنرا تعیین و يك نسخه راپورت خود را بر رئیس محکمه استیفاء رسیده دیگر را بوزارت عدلیه ارسال دارد.

حاج سید ابراهیم - بلی چون اداره ثبت اسنادی که در حوزه محکمه ابتدائی واقع می شود و شکایت این ها چون در آن محکمه ابتدائی محاکمه می شود پس جهت چیزی است که يك نسخه راپورت را بر رئیس محکمه استیفاء بده جهت ندارد اینرا توضیح بدهند.

آقا شیخ ابراهیم - محکمه باینتر که ابتدائی است باید راپورت خودش را به محکمه استیفاء که محکمه درجه فوق او است بنهد و یکی را هم بوزیر عدلیه می دهد و استیفاء هم همان راپورت را با وزیر عدلیه خواهد داد.

افتخار الواعظیه - اینجا نوشته است محکمه ابتدائی در صورت لزوم الی آخر و این عبارت معنی او اینست که او بر عصبی برای تعیین همین محکمه یا آنکه بنده گمان میکنم که بهتر این بود که هر شش ماه بشمار محکمه ابتدائی بحکم این حکم مجبور بشود که يك عصبی از اعضای خودش را بدست مفتش معین بکند و صحت و عدم صحت را راپورت بنهد و این عبارت که اینجا نوشته است می شود بکند می شود نکنند اگر قانونی پیدا بکنند تقشیش بهتر است.

وزیر عدلیه - مقصود از اینکه در صورت لزوم نوشته شده این است که در موافقی که شکایتی میشود و محکمه ابتدائی لازم می داند که يك تقشیش بکند در آن وقت يك تقشیش معین می کند برود رسیدگی بکند حالا آن که سماه سه ماه باشد ماه بشش ماه گفته شد آنچه چیزی است که وزارت عدلیه باید از برای خودش ترتیب بدهد و آن ترتیب در ضمن تقشیش خواهد آمد در صورت لزوم یعنی در مواردی که شکایت میکنند این را تقشیش می کنند.

رئیس - رأی میگیرم در ماده ۴۴ بترتیبی که خوانده شد آقایانی که موافقت فرمایند با اکثریت (۵۵) رأی تصویب شد.

ماده ۴۹ وزیر - و ماده ۴۵ کمیسیون بهضمون ذیل قرائت شد.

ماده ۴۹ وزیر - مباشرین و مدیر های ثبت و معاونین آنها در صورت تصویبات راجعه بشکل خودشان موافق قوانین که برای صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه مقرر است مورد مشوریت و مؤاخذه خواهند بود و در صورتی که خیانت یا اجتنابی از آنها سرزند موافق قوانین جنایات محکمه جزا جاب و معاکمه خواهد شد.

ماده ۵۰ کمیسیون - مباشرین و مدیران ثبت معاونین آنها و همچنین دفتر دار کل و معاون او در مورد تصویبات راجعه بشکل خودشان موافق قوانینی که برای صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه مقرر است مورد مشوریت و مؤاخذه میشود و در صورتی که خیانت یا اجتنابی از آنها ناشی شود موافق قوانین محکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد جلب و معاکمه می شوند.

حاج سید ابراهیم - بنده میخواهم سؤال کنم که مگر بشیراز محکمه ابتدائی میشود این مطلب را ارجاع کرد که نوشته اند هر محکمه که صلاحیت داشته باشد.

وزیر عدلیه - چرا البته اگر جزائی باشد به محکمه جزا است اگر جنایت باشد به محکمه جنایات ارجاع میشود کلیه تقاضای ما در اینجا توضیح میکنیم رجوع کردیم باین هرحه قوانین بگوید.

رئیس - رأی می گیرم ماده ۴۵ بطریق که خوانده شد آقایانی که موافقت فرمایند با اکثریت ۵۶ رأی تصویب شد.

ماده ۵۰ وزیر - و ماده ۴۶ کمیسیون بهضمون ذیل قرائت شد.

ماده ۵۰ وزیر در صورتی که از مباشر یا مدیر ثبت و یا معاون او رفتاری مشاهده شود که شایسته مقام آنها نباشد و یا مخالف اخلاق پسندیده و در اظهار عامه اگر قبیح باشد ولو این که ائی اعمال و رفتار در خارج از خدمت از آنها سرزند اطلاعات راجعه باین نوع رفتار مباشر یا مدیر بتوسط رئیس محکمه ابتدائی یا مدعی العموم آن محکمه به محکمه ابتدائی بینهاده می شود و محکمه مد کوره بعد از خواستن یا شنیدن توضیحات از مباشر یا مدیر ثبت در جلسه اداره رای خود را در ابقاء یا عدم ابقاء مباشر یا مدیر ثبت اظهار میدارد در صورت لزوم دورت بلا تاخیر اقدامات لازمه را برای حفظ اشیائی که متعلق ب مردم در مباشرت ثبت امانت است بعمل می آورد بدین رای محکمه ابتدائی بانام اسناد و توضیحات بر رئیس این محکمه استیفاء پیشنهاد شده اتصال مباشر یا مدیر معلوم منوط بتصویب رئیس این استیفاء خواهد بود رای رئیس محکمه استیفاء باین شکایت نیست ولی رئیس مذکور مکلف است که اوضاع و احوال جهت مباشر یا مدیر را بوزیر عدلیه فوراً راپورت کند.

ماده ۴۶ کمیسیون - در صورتی که از مباشر ثبت یا مدیر یا معاون رفتاری مشاهده شود که شایسته مقام آنها نبوده و در نظر عامه رکیک و بیخ باشد ولو این که آن رفتار از اشخاص مذکوره در خارج از خدمت ناشی شود اطلاعات راجعه بآن نوع رفتار و اعمال اشخاص مذکوره توسط رئیس محکمه ابتدائی یا مدعی العموم آن محکمه به محکمه ابتدائی بینهاده محکمه مذکور بعد از خواستن توضیحات از متهم و رسیدگی در جلسه اداری محکمه رای خود را در ابقاء یا انفصال مباشر یا مدیر ثبت اظهار می دارد و در موارد مقتضی اقدامات لازمه را بلا تاخیر برای ضبط اسنادی که متعلق ب مردم در مباشرت ثبت

امانت است بعمل می آید رای محکمه ابتدائی باتمام استاد و نوشجات نزد رئیس محکمه استیناف فرستاده می شود مشارالیه رای خود را ضمیمه رای محکمه ابتدائی نموده مراتب را بوزارت عدلیه پیشنهاد می نماید انفصال محکوم منوط بصدر حکم وزیر عدلیه است و حکم وزیر عدلیه قابل شکایت نیست

حاج شیخ الرئیس - بنده این جا این ماده را اگرچه بنظر اخلاقی خیلی خوب می توان تصویب کرد ولی بنده بهمان نظر این ماده را خیلی ناانجام می دانم بواسطه این که امالی که شایسته مقام مدیر ثبت نمی باشد مضبوط نیست و من نمی دانم در کجا معلوم بکنم مثلا یک حرکتی برای بنده شاید خیلی قبیح است که در یک لباس مستم و برای دیگری تجویز شده است که همان میزانی که شارع مقدس : آئین اقدس بپاداده است همانرا رعایت می کنم شرع مقدس دو عنوان یکی چرایم گناه ها آنهم دارد صفره دارد کبیره دارد و دیگر چیزی هم نیست که ضمیمه این است اهل شرع اینگونه اعمال را خلاف مروت می دانند مثل اینکه یک فقری اگر لباس نظام بپوشد مثل آبیاریت معروف است که گفت در حق من مدح و در حق تو ذم می گویند این خلاف مروت است در آن جائیکه شرط می کنند که فقیه یا امام باید جامع عدالت و مروت باشد اینگونه اعمال را ناقص عدالت می دانند هیچکس ملتفت نیست و از آن گذشته اگر آن اعمال در خارج حوزه خدمت باشد این را بنده صحیح نمی دانم برای حفظ مزاحش عکار میگرد در خانهاش ولی در خدمت کاری نمی کنند این خیلی ناانجام است

حاج شیخ الرئیس - همچواحتمال می دهند که بنده مراد از این ماده را نمانده باشم عرض می کنم بملاحظه تهنید اخلاق مستخدمین این اداره نوشته اند تکلیف اخلاق حفظ آداب ما در این دولت اینطور است خیلی خوب ولی این خیلی تضییق است و اسباب زحمت است برای مباشر و مدیران ثبت اسناد مثل اینکه فردا بنده را بگویند که در کوزه نان خورده از کالکته مزولی خیر گرفته بوده ام و نان خورده ام

فهییم الملک - اینجا فقط کاریکه معین کرده اند به سازخواستن توضیحات از متهم بعد از معاینه اداره بامدیر ثبت اظهار می دارد معنی امر را منحصر کردند بابقایا انفصال رحال آنکه ممکن است درجات دیگر مجازات هم با آنها تعلق بگیرد چنانچه از برای سایر طبقات مستخدمین هست از قبیل کسر حقوق یا ترتیبات دیگر اینجا فقط انفصال را معین کرده اند و من اینرا کافی نمی دانم خوب است اگر آقای وزیر عدلیه تصویب می فرمایند بجای ابقاء و یا انفصال نوشته شود آن ترتیبی را که قانون امضاء میکند درباره ادرا می کنند و الا ابقاء یا انفصال صحیح نیست این ترتیب را راجع کنند بمحکمه که معلوم شود غیر از انفصال درجات دیگر هم هست منحصر بانفصال نیست

وزیر عدلیه - در ابرادی که الا آقای فهییم الملک فرمودند که چرا باقی یا انفصال نوشته شده است و درجه متوسطی نوشته نشده است بنده نظر ایشان را جلب می کنم بهمان ماده که در مورد تصدیقات نوشته شده است که اگر یک تصدیق از برای یکی از اعضاء ادارات مستخدمین ثابت شود هر ترتیبی که از برای امضاء ادارات عدلیه قرار داده اند و هر مدارجی که از برای مؤاخذة است درباره همین ها هم معین خواهد شد ولی این نیست مقصود چیز دیگر است میگوید امالی از آنها مشاهده شود که در انظار عامه رکیک و قبیح باشد موافقت نداشته باشند بامقام دشمنی که آنها متصدی هستند و این ترتیبی که داده شده است در ردول برای اشخاص مباشرین ثبت و کسانیکه مربوط به اسناد مردم هستند برای این است که بیش آنها اسناد مردم می آید همه جور معاملات بیش اینها می آید باید این اشخاص خیلی امین و اسرار نگاهدار باشند که بتوا اسرار را حفظ کنند و از طرف دیگر رفتارشان باید طوری باشد که اسباب سوء ظن و عدم اعتماد مردم نباشد اینرا برای این نوشته اند که از حیث اخلاق هم تهنید شوند که علاوه بر مسئولیت اداره یک مسئولیت وجدانی هم داشته باشد اینکه میگویند سوء استعمال میشود از برای جلوگیری این مسئله اقدامات شده است اولاً دخالت میدهد رئیس محکمه رایامدهای عموم و بعدر محکمه اداری رسیدگی میشود و این رایامدهای محکمه اداری میتواند فوق ماده در موارد لازمه اهمیت میدهد و در محاکم اداری عده اعضاء محکمه بیش از جلسات اداری است دیگر اینکه میگویند در جلسات محاکمه اعضاء فوق ماده باشد و دیگر آنکه بیش رئیس محکمه استیناف میفرستند و پس از تحقیقات عتیده خودش را منظم بکنند در آن رایورت و بالاخره می آید

نزد وزیر عدلیه منضم میشود یا منضم نشود تمام این پیش بینیها شده است برای اینکه مشتبه نشود و مقصود از این ماده هم آنست که عرض کردم چون کار مهمی است و راجع با اسناد است و برای صحت و استحکام اسناد مباشرین ثبت که باین نوع کارها رسیدگی میکنند علاوه بر مسئولیت وجدانی مسئولیت اداری هم داشته باشند

مقیم السلطنه - بنده هم فرمایشات آقای حاج شیخ الرئیس را تأیید می کنم و عرض می کنم که منکر این نیست که اعضاء ادارات باید دارای اخلاق حسنه باشند یعنی متصف با اخلاق ذمیه نباشند ولی از برای اینهم حدی نباید معین بکنند که بتضییقات بفرستند فرق است مابین یک مدرسه و اداره دولتی باین معنا که در یک مدرسه آنکسی که داخل میشود همچو تصور میشود که این دارای اخلاق حسنه نیست این است که اول در تهنید اخلاق آنها میگویند تا اینکه وقت گرفته اخلاق آنها هم تکمیل میشود و هم تصدیقات آنها و لکن ادارات دولتی برعکس است وقتی که کسی وارد ادارات دولتی میشود همچو تصور میشود که خودش دارای اخلاقی است صحیح یعنی اگر سوء اخلاقی از آنها دیده شود بک چیزی است مافوق تصور می آید و بایستی برای او یک مجازاتی فراهم بیاید ولی نه بشکل اینکه همیشه بلوائند مورد ابراد شوند بک مثل خوبی آقای حاج شیخ الرئیس فرمودند که آقایان التفات فرمودند مثل ژیملاستیک و موقع خدمت و طرح از خدمت هم خیلی فرق میکند و ژیملاستیک کردن این یک حرکت رکیک نیست از برای بکنفر بپیر مردی که طبیب تجویز بکنند و حالا یک جمعی او را منعم بکنند که هر روز برود از اینکه دفاع بکنند که آن حرکت من حرکت بدی نبود فرضاً در روز که من بیرون رنتم برای هواخوری بونده بیحال دیگر چون این اخلاق هم بگفتی نسبتی است یعنی اگر ما واقف اسردم را بد اخلاق تصور بکنیم و بیبینم در واقع لازم است برای مباشر ثبت اسناد نوشته شود که حرکات رکیک از او سرزنزه و هیچ معلوم نیست که این اتهامات را بشود درباره آنها بعمل آورد و هیچ ممکن نیست که این ترتیبی که اینجا نوشته شده است مفید گردد که آنها خوش اخلاق باشند ولی این تضییقات اسباب این میشود که هر روز اسباب شکایت میشود و اسباب برای خودشان و وزیر عدلیه خواهد شد

حاج آقا - بنده بعد از آن توضیحی که آقای آقا شیخ ابراهیم فرمودند گمان کردم که دیگر اشکالی نشود خیلی فرق است بین مباشرین ثبت اسناد و سایر مأمورین دولتی البته مأمورین دولت باید کلیه خوش اخلاق باشند ولی اخلاقی که در مأمورین دولت هست غیر از اخلاقی است که در مباشرین ثبت اسناد باید باشد و حسن است و باید ملاحظه شود بواسطه اینکه مأمورین ثبت اسناد طرف احتیاج عامه هستند و باید بکطور اشخاص باشند که محل اطمینان و وثوق عامه و طرف اعتماد باشند اگر یک حرکت ناپسند و رکیکی که از آنها در انظار عامه سر بزند از نظرها می آید آنوقت این اسباب اشکافشان میشود که اسناد خودشانرا نرند پیش یک همچو شخصی که او ثبت بکنند و در این موقع که این لفظ کلی را اینجا نوشته است و ملاک ندارد نمی توانیم غیر از این چیزی بنویسیم بواسطه اینکه اگر ما

بخواهیم ملاکی برای اینکار بگیریم همان ملاک نظر عرف است مثال همان مثالی که آقای حاج شیخ الرئیس فرمودند مثل خلاف مروت که آن ممکن است در یک جا خلاف مروت است خلاف مروت خلاف مروت است فرق بکنند چون یک حرکتی در یک بلد و یک مملکتی خلاف مروت باشد ولی در یک مملکت دیگر خلاف مروت مباشرین مثل اینکه بک لباس اگر یک کسی در مملکتی بیوشد خلاف مروت نیست ولی اگر در جای دیگر بیوشد خلاف مروت است پس این یک چیز است در تحت زمان و مکان مختلف میشود و وزیر کترین ملاکی که نمی توانیم بگیریم همان نظر عرفست حرکتی که اگر از او سر بزند و در انظار عامه رکیک و قبیح نباشد همانطور اگر حرکتی که در نظر عامه قبیح و رکیک باشد اگر از او سر بزند نمانده رکیک است و باید معزول شود و در سایر جاهای دیگر هم همینطور است و جلوگیری از اتهاماتی که آقای مقیم السلطنه فرمودند گمان می کنم که بهمان ترتیب که برود بمحکمه ابتدائی و در استیناف رسیدگی بشود باید برسد وزیر عدلیه جلوگیری از آنها میشود و محتاج باین اظهارات نخواهد بود

رئیس - گمان می کنم که مذاکرات همینقدر ها که شده است کافی است یک اصلاحی آقای کاشف پیشنهاد کرده است خواننده میشود بعد برای معبر را میخوانم

رئیس - گمان می کنم که مذاکرات همینقدر ها که شده است کافی است یک اصلاحی آقای کاشف پیشنهاد کرده است خواننده میشود بعد برای معبر را میخوانم

رئیس - گمان می کنم که مذاکرات همینقدر ها که شده است کافی است یک اصلاحی آقای کاشف پیشنهاد کرده است خواننده میشود بعد برای معبر را میخوانم

ببینند این شخص مشغول کار رکیک است از اعتبار می افتد نسبت باین خواه داخل در خدمت بوده باشد یا خارج در خدمت حرکت رکیکه کلیه در انظار مردم او را منظور میکنند می خواهند چنین کسی نباشد

وزیر عدلیه - بنده جلب می کنم خاطر نمایندگان محترم را باین عبارت (که شایسته مقام آنها نباشد و در انظار رکیک نباشد این دخلی به ژیملاستیک ندارد که فرمودند مقصود این است که مثلاً یک مباشر ثبت را می بینند که در قمار خانه نشسته است آنوقت می گویند این چه مباشر ثبتی است که این جا نشسته است قمار می کند ممکن است اسرار مردم را بدیده یول بگیرد برای این است و الا این ژیملاستیک هیچ دخلی ندارد برای این است که زود قمار خانه

رئیس - حالا این ماده با آن اصلاحی که آقای کاشف پیشنهاد نموده فرات می شود آنوقت برای می گیریم اگر قابل توجه شد که بکمیسیون میرود (ماده مجدداً با اصلاح فرات شد)

رئیس - این اصلاحی است که آقای کاشف داده اند

شیخ ابراهیم - هر گاه او را نخوانیم باز اوست بجهت اینکه هر گاه از معاون یا مدیر دفتری مشاهده شود که معلوم نیست در کجا باشد

رئیس - رای می گیریم باین ماده با اصلاحی که آقای کاشف کرده اند چنانکه ملاحظه فرمودید یک جمله اش حذف شود

حاج شیخ الرئیس - بنده شاید باین اصلاحی که آقای کاشف کرده اند همراه باشم ولی باتمام این ماده مخالفم تکلیف چیست

رئیس - بعد از گذشتن این ماده می توانیم پیشنهادی کنید رای می گیریم آقایانی که موافقت با ماده ۴ کمیسیون با اصلاحی که خواننده شد قیام نمایند (رد شد)

رئیس - چون مذاکره در اول ماده عرض کردم باقی است حالا رای می گیریم باصل ماده ۴ کمیسیون آقایانی که موافقت قیام نمایند (با کثرت رد شد)

رئیس - چون مذاکره در اول ماده عرض کردم باقی است حالا رای می گیریم باصل ماده ۴ کمیسیون آقایانی که موافقت قیام نمایند (با کثرت رد شد)

آقا شیخ ابراهیم - سه قسم شکایت میشود از آنها یکی آنکه سند آورند شکایت میکند که سند را ثبت نکرد یکی دیگر شاک میگوید فلان سند را ثبت کرد یکی هم شکایت می کند که بخلاف قانون رفتار کرده هر سه آباء میشود امتناع آنها یا از ثبت سندی

معزز الملک - در صورتیکه یک سندی میبرند پیش مباشر که او ثبت کند دیگر شکایت میکند چرا این سند را ثبت کرده است این یعنی چه درست نمی فهم

آقا شیخ ابراهیم - هر گاه کسی سندی را ثبت کرد طرف مقابل که این سند برای او ضرر دارد میتواند اظهار بکند که این سند قابل ثبت نبود بی جهت صبر کرد

وزیر عدلیه - اجازه بفرمائید یک توضیحی اینجا بشود شکایتی که از مباشرین ثبت اسناد می شود از امتناع ثبت یا راجع به ثبت سندی این را دو مرتبه بکنیم صحیح میشود و رفع اشتباه میشود (مجدداً مع اصلاح فرات شد)

رئیس - مخالفی نیست؟ پس رای می گیریم ماده ۷ کمیسیون بترتیبی که خواننده شد آقایانیکه موافقت قیام نمایند (با کثرت [۵۵] رای تصویب شد)

[ماده ۲ وزیر و ماده ۴ کمیسیون بهضمون ذیل فرات شد]

ماده ۲ وزیر - هر گاه شکایات مذکوره در ماده قبل از معاون یا مدیر ثبت باشد در صورتیکه مدیر ثبت حاضر باشد خودش بآن شکایت رسیدگی میکند و در صورت مرض یا قیامت مدیر ثبت محکمه ابتدائی بطوری که در ماده قبل مذکور است

ماده ۴ کمیسیون - هر گاه شکایات مذکوره در ماده قبل از معاونین مدیر ثبت باشد در صورتی که مدیر ثبت حاضر شد خودش بک شکایت مذکور رسیدگی کرده آنچه را که موافق ماده (۴۵) از خصایص محاکم است بدانجا ارجاع می نماید ولی در صورت مرض یا قیامت مدیر ثبت کلیه شکایات از معاونان او راجع بمحکمه ابتدائی متبرعه است

رئیس - مخالفی نیست پس رای می گیریم ماده ۸ کمیسیون بترتیبی که خواننده شد آقایانی که موافقت هستند قیام نمایند (با کثرت [۵۵] رای تصویب شد)

رئیس - ده دقیقه تنفس است [مجدداً جلسه تشکیل شد]

رئیس - ماده ۳ از لایحه وزیر فرات می شود

[ماده ۳ وزیر و ماده ۹ کمیسیون بهضمون ذیل فرات شد]

ماده ۳ وزیر - شکایات نامه از مباشرین یا مدیران راجع با متناع از آن از ثبت اسناد یا از ثبت سندی یا تلفظ آنها از وظایف قانونی خودشان میشود در آن محکمه ابتدائی باید رسیدگی شود که مباشرین و مدیران ثبت در حوزه آن واقفند

حاج آقا - خوب بود آقای معبر توضیح بدینند که مکرر چرامین امتناع آنها از سندی یا از وظایف قانونی کافی بود دیگر از ثبت اسناد لازم نبود

حاج سید ابراهیم - در اینجا قید میکنند مدت شکایت را بدو هفته مین بصد از دو هفته استهزاء باین شکایت نمی کنند باینکه اگر بکنند جهت ندارد چرا بجهت اینکه ممکن است این شکایت از اعضاء باشد و بپسند حقوق مباشر ثبت سند یا مدیر ضایع میشود و این ماده مجبور میکنند باینکه بعضی نملل و مسامحه کرد و زود بزود شکایت کند بجهت دیگر اعتراض و شکایت از مجموع نیست بنده اینرا صریح نمیدانم

آقا شیخ ابراهیم - این بدون اجرت که نمیشود امتناع هم که معلوم نیست بگوید من ثبت نخواهم کرد همینکه گفت من ثبت نخواهم کرد آنروز مین است نادو هفته دیگر که امتناع شده میتواند شکایت بکند و الامتداد هر وقت شکایت بکند کارها را مختل میکند باید در ظرف دو هفته هر گاه شکایتی دارد بکند هر گاه نکرده مسوم نخواهد بود

آقا شیخ اسدالله - مواد شکایات یکی این بود که شکایت داشته باشد از ثبت سندی که فلان سند را حق ثبت نداشته و ثبت کردی بسمت که بعد از سه هفته چهار هفته بلکه دو ماه هم ملتفت نمیشود آن شخص که چنین سندی ثبت شده بعد که ملتفت شد آنوقت میتواند شکایت بکند این صریح نیست

آقا شیخ ابراهیم - موادی که بعد خواهد آمد میگویی تمام اسناد و طرف دارد باید هر دو طرف حاضر باشند بی اطلاع طرفین هیچ سندی ثبت نخواهد شد طرفین باید حاضر شوند و اگر حاضر نشوند ممکن نیست ثبت بشود بترتیبی که خواهد آمد و ممکن است که حاضر شده اند و یکی از آنها رضی نیست سند ثبت شود مدیر ثبت میگویی ثبت نمیکنم و او میگویی خیر این صریح است باید ثبت شود مدیر ثبت امتناع میکند از ثبت یا آنکه خلاف قانونی در این بین میشود مثلا این را آورده است معطل کرده است خود معطل کردن هم بک خلاف قانون است و نباید معطل بکنند

حاج سید ابراهیم - عرض میکنم که فرض کنید شخصی میاید سندی را ثبت کند مدیر ثبت کند مدیر ثبت گفت ثبت نمیکنم از کجا این معنی میشود و ضبط میشود که بدین تأخیر از وقت آن شخص برود بگوید شکایت کند که فلان روز شکایت کردم که من روز دوشنبه باو گفتم و ثبت نکرد اینست که دیگر سندی نیست کدر دست باشد که محکمه قبول بکنند مباشر ثبت میگویی ایندو ماه پیش بن گفته است و مدت شکایت گذشته است باطوری که آقای شیخ اسدالله گفته بنده عرض نمیکنم مدت نداشته باشد و اسباب شکایت فراهم شود تا اینکه دیدند تأخیر می افتد باید زود بیاید شکایت بکنند ولی اگر مدت را زیاد بکنیم مثلا یکماه یا دو ماه قرار بدهیم این اشکال تولید نمیشود یا اینکه نملل است و شکایت از بین میرود یا اینکه بطوری که گفته شد اطلاع شاید پیدا نکرده پس باید لفظ اطلاع افزوده شود که وقتی که اطلاع پیدا کرد بتواند

شکایت واقع شود بک تاریخ برای او بگذرانید این نمیشود و برای او تاریخ نخواهد گذاشت آن دخیلی به ۱۵ روز ندارد ماده شکایت اگر مین شده است آنرا باید شاک میبکنند که فلان روز رفته خلاف واقع شد و الا محکمه برای اتر تاریخ خواهد گذاشت که فلان روز فلان خلاف شده است

وزیر عدلیه - چون آقای حاج سید ابراهیم اینرا میفرمایند بجهت این است که تمام این لایحه را مطالعه نفرمودند برای اینکه در ثبت اسناد پیش در خصوص مباشر ثبت کفایت که دفتر فهرستی هست که مباشر در آن فهرست امور جاریه را هم ثبت میکنند بعد خواهد آمد در امور جاریه اینست که وقتی سندی را آوردند در آنجا ورد کرد در دفتر قید میکنند که بچه ترتیب او را رد کرده است و تاریخ میگذارد در دفتر بملامه آن شخصی که میخواهد شکایت بکند میتواند از مباشر ثبت یک چیزی بخواهد که من بگو که موافق کدام قانون امتناع میکنی از ثبت او می نویسد و میدهد این خودش ثابت میکند تاریخ ماده شکایت را در دفتر فهرست هم ثبت میکنند در طرف دو هفته از این ماده شکایت اگر گذشت حق ندارد و برای چه تمهید کرده است مدت را برای این است که توضیح وقت طرف مقابل شود بجهت اینکه ممکن است برای نوع طرف معامله را بدو نام یا اینکه من میخواهم این معامله را دفع شود و میگوید من میروم شکایت میکنم خودم میگویی شکایت کن تا تکلیف معین شود این باینقسم مدتی می گذرد و توضیح وقت میشود و اینکه میگویند پس از دو هفته برای اینست که توضیح وقت نشود این مسئله در آنجا در تشکیلات عدلیه خواهد آمد و آنجا بترتیبی است که برای هر کاری بتمدد و تکلیفی معین خواهد شد که توضیح وقت نشود و اما اینکه میگویی که از کجا در طرف دو هفته کشف میشود ثبت یک سندی در موقع ثبت آن سند اشخاصی که ذیحق و ذخیل هستند آنها را می خوانند و تا آنجا برقرض آمدند و دیدند بی اطلاع بود و سند کسی را ثبت نکرده است این از بین نخواهد رفت و کسی هم راه او را مسدود نکرده است در اصول معاد کلمات هم خواهد آمد در اینجا هم پیش بینی شده است این اسنادی که ثبت میشود مادامی معتبر است که طرف در او را ننموده باشد یعنی یکی از وسائل مدلل انداختن از اعتبار این است که موافق بکنند که این ترتیب پذیر قانون شده باینکه عیبی در سند بوده است کسی نمیتواند مسدود کند این راه او را این راه همیشه باریت سندی را شخص می تواند مدلل بداد نقص او را اگر مدلل کرد قبها و اگر مدلل نکرد که جواب او است

آقا شیخ اسدالله - آخرین شکایتی که میشود از ثبت سند بکنند شکایت میکنند از آن که این سندی که در اینجا ثبت یک خلاف قانونی کرده است و آن خلاف قانون آن است که باید طرفین حاضر بکنند برای ثبت سند و اظهار نکرده است که حاضر شوند و حاضر ننموده است که در حضور آنها ثبت بکنند سند را بدون اطلاع این سند ثبت شده است و بعد از دو هفته هم این شکایت را کرده است اما مدتی که میاید بنده عرض میکنم ابتدای مدت را باید از موافق گذاشت که از شکایت

میکند و بسا است شکایت میکند که او را خبر نکرده است و این خلاف قانونی است که کرده است یک شکایتی را اظهار میکند

میکند و بسا است شکایت میکند که او را خبر نکرده است و این خلاف قانونی است که کرده است یک شکایتی را اظهار میکند

آقا شیخ ابراهیم - مطابق شدن را که میتواند معین و مدافعه کند بعد از یکسال می آید من امروز مطلع شدم پس از یکسال او مطلع شده این را کی ضبط میکند ممکن نیست

رئیس - رأی میگویی ولی باید یاد آوری نمایم آقایان را که اگر ایرادی دارند بقانون باید حتی المقدور بطریق ماده اصلاحیه یا العافیه پیشنهاد شود که اذعان مسیون باشد و رفتی که میخواهم رأی بگیری آراء صحیح باشد یک مطلبی را بدین اینکه اذعان مسیون باشد رأی بگیری دور نیست که بعضی از آقایان چون مطالعه نکرده اند رأی طور دیگر بدهند استعدا دارم بعد از این هر نظری که دارند بطور اصلاح پیشنهاد کنند بدهند بجهت رتبه که بنهم طبع و توریع بشود تا اینکه در مرفوع اخذ رأی آراء صحیح باشد [در این موقع پیشنهادی از طرف حاج شیخعلی باین مضمون فرات شد] (در ظرف دو هفته یکماه نوشته شود)

رئیس - رأی میگویی در فابل توجه بودن این اصلاحی که پیشنهاد شده است آقایانی که موافقته قیام نمایند (رد شد)

رئیس - در اصل خود ماده رأی میگویی آقایانیکه موافقته قیام نمایند [با اکثریت ۵۳ رأی تصویب شد]

آقا شیخ اسدالله - در اصل خود ماده رأی میگویی آقایانیکه موافقته قیام نمایند [با اکثریت ۵۳ رأی تصویب شد]

رئیس - مخالفی نیست پس رأی میگویی بماده پنجم کمیسیون به ترتیبی که خوانده شد آقایانی که موافقته قیام نمایند [با اکثریت ۵۵ رأی تصویب شد]

مباشرت نموده است تصدیق نماید شاک می تواند بجهت تکذیب اعتبار سند ثبت شده در محکمه که صلاحیت رسیدگی ردا داشته باشد از باب آن سند اقامه دعوی نماید

ماده ۵۱ - کمیسیون - در صورتی که محکمه ابتدائی بعد از رسیدگی امتناع مباشر ثبت را از ثبت اسناد تصدیق کند شاک می تواند در مدت دو هفته از تاریخ اعلام حکم محکمه با حکم ملگور را استیناف نماید ولی هر گاه محکمه ابتدائی ثبت سندی را که مباشر ثبت نموده است با تصدیق را داده است تا باید نماید شاک می تواند بجهت تکذیب اعتبار آن ثبت یا تصدیق در محکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد از باب آن سند اقامه دعوی نماید

حاج سید ابراهیم - این لفظ ولی در اینجا استدرک است و استدرک در این جای معنی ندارد این که هر دو فرغ است در مقابل یکدیگر

رئیس - مخالفی نیست رأی می گیریم با حذف لفظ ولی آقایانیکه موافقته قیام نمایند [با اکثریت ۵۰ رأی تصویب شد]

ماده ۵۲ - کمیسیون - با دعای خسارت از مباشر رسیدگی می شود

آقا شیخ اسدالله - با دعای خسارت از مباشر رسیدگی می شود

رئیس - مخالفی نیست پس رأی میگویی بماده پنجم کمیسیون به ترتیبی که خوانده شد آقایانی که موافقته قیام نمایند [با اکثریت ۵۵ رأی تصویب شد]

رئیس - مخالفی نیست رأی می گیریم بماده ۵۳ کمیسیون بترتیبی که خوانده شد آقایانی که موافقته قیام نمایند [با اکثریت ۵۴ رأی تصویب شد]

ماده ۵۸ - وزیر - بماده ۴ کمیسیون بمضمون ذیل فرات شد

ماده ۵۸ - وزیر - در موارد ثبت یا تصدیق باید نکات ذیل صریحا قید شود اول تاریخ سال و ماه و روز در مواقع لازمه ساعت دوم اسم واسم پدر و لقب در صورتیکه باشد و مسکن ثبت ثالثا امضای او

ماده ۵۴ - کمیسیون - در موارد ثبت یا تصدیق باید نکات ذیل قویا رعایت شود اول تاریخ سال و سال ماه و روز در مواقع لازمه ساعت ثانیاً اسم و اسم پدر و شهرت و محل اقامت مباشر ثبت ثالثا امضای او

آقا میرزا ابراهیم قهی - لفظ قویا حتماً شود باین ترتیب (نکات ذیل حتماً رعایت شود)

حاج شیخ الرئیس - قویاً این تصدیق دارم باشد ولی نکات را جهات بکنید به نکته بهتر است

کاشف - بنده این لفظ شهرت را زیاد می دانم آنطوریکه در پیشنهاد وزیر هست اگر باشد بهتر است زیرا اشخاصی هستند که شهرت ندارند آنوقت اسباب ایراد خواهد شد و یک چیزی هم می توان بآنها اسم گذارد وقتی که این ماده را نوشتم آنوقت قانونی میشود و اگر شهرت نداشته باشد محل ایراد واقع خواهد شد

آقا شیخ ابراهیم - مراد شهرت کسی که مشهور بیک حائ است یا مثالی لقبی دارد یا خان است آفاست که مشهور است بآن او را می خوانند یا اسمش را واسم پدرش را که مشهور است او آن چیزیکه بالاخره با او را می خوانند

وزیر عدلیه - حرف در این است اگر لقب بنویسیم یا وزارت هم بنویسیم شامل می شود بلفاظ امضای دولتی در صورتی هم می شود که لقب نداشته باشد و شهرتی داشته باشد او را می نویسند ولی بنده پیشنهاد میکنم که مطابق آن چیزیکه در لایحه وزیر بوده است بعد از شهرت نوشته شود در صورتیکه باشد تا رفع اشکال شود

رئیس - در باب این عبارتی که وزیر فرمودند اضافه شود کمیسیون قول دارد و تصدیق میکنند **آقا شیخ ابراهیم** - غیرت ندارد اضافه بشود **آقا محمد پروچردی** - بنده یک چیز دیگر را لازم میدانم نوشته شود نمره ثبت سند **رئیس** - اگر پیشنهادی دارید بنویسید تا قابل توجه شود الا اگر بنام هر کس بک لفظی زیاد بکنند هیئت رئیسه نمیتواند بپذیرد (ماده مجدداً بآنکه اصلاح آقای وزیر که بعد از شهرت در صورتی که باشد فرات شد) **رئیس** - رأی می گیریم بماده ۴ کمیسیون بترتیبی که خوانده شد آقایانی که موافقته قیام نمایند [با اکثریت ۵۵ رأی تصویب شد]

قید کرده و تاریخ دادن صورت یا تصدیق را هم صریحا در آن صورت یا تصدیق مینویسند

ماده ۵۵ - کمیسیون - در مواردی که مباشر ثبت صورتی از ثبت دفاتر یا اسناد یا تصدیق میدهد ذیل صورت و سواد تصدیق را امضاء و مهر کرده نمره دفتر در آنها قید کرده تاریخ دادن آنها را صریحا در خود صورت یا سواد یا تصدیق با تمام حروف مینویسد

رئیس - مخالفی نیست رأی می گیریم بماده ۵۵ بترتیبی که خوانده شد آقایانی که موافقته قیام نمایند

ماده ۵۸ - کمیسیون - در مواردی که مباشر ثبت صورتی از ثبت دفاتر یا اسناد یا تصدیق میدهد ذیل صورت و سواد تصدیق را امضاء و مهر کرده نمره دفتر در آنها قید کرده تاریخ دادن آنها را صریحا در خود صورت یا سواد یا تصدیق با تمام حروف مینویسد

رئیس - مخالفی نیست رأی می گیریم بماده ۵۶ بترتیبی که خوانده شد آقایانی که موافقته قیام نمایند [با اکثریت ۵۶ رأی تصویب شد]

ماده ۶۱ - لایحه وزیر - بماده ۵۷ کمیسیون بمضمون ذیل فرات شد

ماده ۶۱ - لایحه وزیر - رسبندی که از اشخاص دریافت میشود در صورتی که در زبان خارجه نوشته شده باشد باید بر زبان فارسی ترجمه و توسط مباشر ثبت تصدیق شود و هر گاه مباشر ثبت آن زبان خارجه را نداند تصدیق عالم بآن زبان رسانیده امضای آن شخص را تصدیق میکنند

ماده ۵۷ - کمیسیون - امضای اشخاص در اسناد و تصدیقات و همچنین قبض رسیدگی در وقت گرفتن صورت و سواد و تصدیق میدهند در صورتیکه بر زبان خارجه باشد باید بر زبان فارسی ترجمه و توسط مباشر ثبت تصدیق شود و هر گاه مباشر ثبت آن زبان خارجه را نداند ترجمه را تصدیق عالم بآن زبان رسانیده امضای مترجم را تصدیق میکنند

حاج شیخ الرئیس - اینجا نوشته شده است که اگر زبان خارجه است باید بفارسی ترجمه شود اگر عربی باشد بطور زیر عربی را بنده زبان خارجه نمیدانم بنویسید بترتیب فارسی **شیخ ابراهیم** - ترتیبی زبان خارجه نیست زبان خودمان است و حال این که باید بفارسی ترجمه شود (ماده مجدداً با اصلاح اگر بترتیب فارسی باشد فرات شد) **رئیس** - آقایانی که با ماده ۵۷ بطرفی که فرات شد موافقته قیام نمایند [با اکثریت ۵۷ رأی تصویب شد] **ماده ۶۲** - لایحه وزیر و ماده ۵۸ کمیسیون بمضمون ذیل فرات شد

ماده ۶۲ لایحه وزیر - اسامی اشخاصی که استاد خود را برای ثبت میآورند یا تصدیق میخوانند و اسامی را امضاء نمایند باید در دفتر سریعاً قید و مسکن و شغل آنها هم نوشته شود .

ماده ۶۳ کمیسیون - اسامی اشخاصی که اسناد خود را برای ثبت میآورند یا تصدیق میخوانند و اسامی را امضاء مینمایند باید با قید محل اقامت و شغل آنها بطوری صریحاً نوشته شود که در هویت آنها تردیدی حاصل نشود .

رئیس - مخالفی نیست پس رأی میگیریم بماده ۵۸ کمیسیون آقایانی که موافقت مینمایند [با اکثریت ۵۷ رأی تصویب شد] .

[ماده ۶۴ لایحه وزیر - ماده ۵۹ کمیسیون نیز بمضمون ذیل قرائت شد] .

ماده ۶۴ لایحه وزیر - هرگاه مباشر ثبت در هویت اشخاص شکی داشته باشد بتوسط دفتر معروف خود که طرف اعتماد او باشند تحقیقات لازم بعمل آورده اظهارات آنها را در دفتر قید میکند .

ماده ۵۹ کمیسیون - هرگاه مباشر ثبت در هویت اشخاص شکی داشته باشد باید توسط دفتر معروف خود که طرف اعتماد او باشند تحقیقات لازم بعمل آورده تحقیقات مذکور را در دفتر همچنین در خود اسناد و تصدیقاتیکه میدهد قید میکند در معاملات راجعه بغير منقول تحقیقات باید بتوسط سه نفر معروف و معتد بعمل آید .

آقای میرزا ابراهیم قهی - (معروف خود) زیادی است دفتر که طرف اعتماد او باشند تحقیقات لازم بعمل آورده کفایت میکند .

حاج سید ابراهیم - عرض میکنم لفظ هویت را اگر تبدیل به تشخیص و تمییز میکنند بهتر بود .

وزیر عدلیه - این اصلاح شده است اگر تغییر بدهیم غیر مصطلح خواهد بود .

رئیس - رأی میگیریم بماده ۵۹ کمیسیون آقایانی که موافقت مینمایند (با اکثریت ۵۸ رأی تصویب شد) .

(ماده ۶۵ لایحه وزیر - ماده ۶۰ کمیسیون بمضمون ذیل قرائت شد) .

ماده ۶۵ لایحه وزیر - در صورتیکه مباشر ثبت نتواند بهیچ وسیله هویت اشخاص را معلوم کند این نکته را در دفتر قید خواهد کرد .

ماده ۶۰ از راپورت کمیسیون - در صورتیکه که مباشر ثبت نتواند وسیله مذکور در ماده قبل هویت اشخاص را معلوم کند این نکته را در دفتر تصدیق و دفتر قید کرده مسائل دیگری را که به اسطه آن هویت اشخاص را معلوم کرده ذکر نماید .

حاج شیخ الرئیس - اینجا هم عرض می کنم جای نکته نیست مطلب بنویسند .

رئیس - رأی میگیریم بماده ۶۰ - با تبدیل لفظ نکته بمطلب آقایانی که موافقت مینمایند [با اکثریت ۵۲ رأی تصویب شد] .

(ماده ۶۵ لایحه وزیر ماده ۶۱ از راپورت کمیسیون نیز بمضمون ذیل قرائت شد)

کمیسیون نیز بمضمون ذیل قرائت شد

ماده ۶۵ لایحه وزیر - مباشرین ثبت بهیچوجه نمیتوانند اسنادی را که راجع بخودشان یا بکسانی است که با آنها قرابت نسبی یا سببی دارند و یا با اشخاصی که در تحت قیمومیت آنها واقعند ثبت نمایند و یا تصدیق بدهند بخلف از این ماده موجب بطلان ثبت یا تصدیق خواهد بود ولی این بطلان فقط تا اندازه خواهد بود که راجع بمباشرین ثبت یا اشخاصی است که در این ماده مصرح است .

ماده ۶۱ راپورت کمیسیون - مباشر ثبت بهیچ وجه نمی تواند اسنادی را که راجع بخودش یا بکسانی است که با او قرابت نسبی یا سببی دارند یا در تحت قیمومیت او واقع اند و یا در خدمت او هستند ثبت نماید یا تصدیق بدهد بخلف از مفاد این ماده موجب بطلان ثبت و تصدیق می باشد ولی اگر قسمتی از مندرجات اسناد یا تصدیق راجع باشخص مذکور در فوق باشد اقدام مباشر ثبت نسبت بهمان قسمت از درجه اعتبار ساقط است

گاشف - بنده نمی دانم در صورتیکه مباشر ثبت پایکی از بستگان او ممانعت بکند تکلیف آنها چیست خوب است آقای مخبر توضیح بفرمایند که معلوم شود .

آقای شیخ ابراهیم - این مسئله در شور اول خیلی مذاکره شد و اینجا هم بگذردی مجمل است باید توضیح شود قرابت نسبی یا سببی بطور مطلق این خیلی اشکال دارد و لکن آنچه معروف است تادریه چهارم که فرابت باشد اما از بابت این که اینجا اگر اینجا نیزند جای دیگر برنده مباشر ثبت اسناد زیاد است گذشته از همه این مستخدم دولت است دولت اذن نداده است که مستخدمان این مباشر ثبت کند مأمور می کنند آنها را که این اسناد را نباید ثبت میکنند .

حاج سید ابراهیم - عرض می کنم این مطلب در شور اول مذاکره شد آنچه در شرح نظیرش هست این است که در موارد تهمت نمی توانند بوده بخود مباشر ثبت که در آنوقت صحیح نیست و چهارم درجه بودن اینها هیچ کدام صحیح نیست باید که اسناد راجعه بخودشان را مثلا باید اطلاع رئیس محکمه ثبت میکنند بواسطه اینکه قوم خویش دارد ثبت میکنند البته هر کسی قوم و خویش دارد نمیشود او را مجبور کرد که در اینجا ثبت بکند و نرود بجای دیگر این ترتیب هیچ صحیح نیست

حاج آقا - این مطلب سابقاً خیلی گفتگو شد و باز شروع شده است این است این یک مطلبی نیست که راجع بامور شرعی باشد که بگوئیم این عنوان هست علاوه بصحت التماس هم نیست که بگوئیم یک کسی که می خواهد سندی را ثبت کند پیش یک کسیکه از خویشانش است ببرد این عنوان التماس که نیست بهمان ترتیبی که پیش خودش باید می تواند ثبت کند و پیش سایرین هم می تواند ثبت کند این مطلب خیلی واضح است و بجهت استحکام امر اسناد تهیه شده است و باید ملاحظه این را کرد و برد بجای دیگری سکه حوزه ثبت هست ثبت نمیشود مثل اینکه میبرد از این محله به محله

دیگر وثت می کند و هیچ اشکالی ندارد تقاضا می کنم که رأی گرفته شود بگذرد

آقا شیخ اسدالله - عرض میکنم آقای حاج آقا فرض کردند تمام ولایات را مثل تهران که اداره ثبت اسنادش متعده است و اینجا تصدیق مباشر دیگری ببرد نظری بخارج طهران ولایات دیگر نمی فرمایند که آن بندگان خدایچه بلاهانی مبتلا خواهند شد بنده عرض میکنم بعد از اینکه چندین شرایط برای مباشر ثبت معین کردیم که چه شخص صحیحی باشد عقیده این است یا آن شرایطی را که دارا باشد هیچ او را نباید مقید کرد باینکه نسبت با اقارب و خویشانش ثبت سند را نکند علاوه بر این یک موردی هست که طرفین نسبت باین مباشر ثبت دارند اگر مقصود اتهام است آن اتهام فرض نمیشود و بجهت انتساب طرفین نباید سند ثبت شود علت چیست است بنده نمی دانم علاوه در جانی که مباشر ثبت یکی باشد در آنجا هم مجبور میشود آن بیچاره که از این ولایت برود سه منزل چهار منزل بجای دیگر و این اسباب زحمت میشود بنده بکلی این ماده رأی قاعده می دانم

رئیس - کمان می کنم مذاکرات کافی است و آقای مخبر تقاضای اضافه تادریه چهارم را کرده است و اضافه می شود بکثرت خوانند میشود [ماده مزبور با اضافه بمضمون ذیل قرائت شد]

ماده ۶۱ - مباشر ثبت بهیچوجه نمی تواند اسنادی را که راجع بخودش یا بکسانی است که با او قرابت نسبی یا سببی تا درجه چهارم دارند یا در تحت قیمومیت او واقعند و یا در خدمت او هستند ثبت نماید یا تصدیق بدهد بخلف از مفاد این ماده موجب بطلان ثبت و تصدیق میباشد ولی اگر قسمتی از مندرجات اسناد یا تصدیق راجع باشخص مذکور در فوق باشد اقدام مباشر ثبت نسبت بهمان قسمت از درجه اعتبار ساقط است

رئیس - کمان می کنم مذاکرات کافی است و آقای مخبر تقاضای اضافه تادریه چهارم را کرده است و اضافه می شود بکثرت خوانند میشود [ماده مزبور با اضافه بمضمون ذیل قرائت شد]

ماده ۶۱ - مباشر ثبت بهیچوجه نمی تواند اسنادی را که راجع بخودش یا بکسانی است که با او قرابت نسبی یا سببی تا درجه چهارم دارند یا در تحت قیمومیت او واقعند و یا در خدمت او هستند ثبت نماید یا تصدیق بدهد بخلف از مفاد این ماده موجب بطلان ثبت و تصدیق میباشد ولی اگر قسمتی از مندرجات اسناد یا تصدیق راجع باشخص مذکور در فوق باشد اقدام مباشر ثبت فقط بهمان قسمت از درجه اعتبار ساقط است

رئیس - کمان میکنم مذاکرات کافی باشد حالا رأی میگیریم

شیخ اسدالله - هیچ کافی نیست .

رئیس - پس رأی میگیریم در اینکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند .

عدد تصویب کنندگان و آنها که تصویب نمیکنند ۲۲ است چون آراء طرفین مساوی است مذاکرات اعاده میشود حالا چون مذاکرات اعاده می شود آقایانی که بلا اجازه گرفته اند با آنها اجازه داده می شود - شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمایند

محمد هاشم میرزا - بنده عرض می کنم بجهت رفع تمام احتمالات بهتر اینست که در حضور چند نفر تمییز کنند که اسناد و قوم و خویش ها و اشخاصی که با او قرابت سببی یا نسبی دارند ثبت کنند که اسباب اشکال شود یا با اطلاع رئیس محکمه این ثبت واقع شود برای اینکه بدون این ترتیب ممکن است خیلی اسباب اشکال شود بجهت اینکه ممکن است بکنفر در فلان ولایت مباشر ثبت باشد و از اطرافش یا بعدتر قوم خویش دارد نمی توان

تمام آنها را معروض کرد و کار آنها بماند بنده عقیده ام اینست و پیشنهاد میکنم که در حضور چند نفر در رئیس آن محکمه ثبت نمایند

مقیم السلطنه - این در هر حال معلوم است که مقصود اینست که مباشر ثبت در موقعی که آن سند را ثبت میکنند نباید قرابت سببی مثلا داشته باشد حالا البته می تواند سند را ثبت بکند و اگر بعد قرابت سببی و پیدا شد و نسبتی پیدا کرد این باعث بطلان آن سند نمیشود آیا این باید تصدیق شود که در موقع ثبت سند گرچه این یک مطلب طبیعی منطقی است لکن این عبارت این معنی را نمیرساند باین جهت لازم است که قید شود در موقع ثبت سند که مطلب را برساند

آقای شیخ علی شیرازی - این دارد که راجع بکسان او باشد این دو قسم است بکثره کسان او طلبکار هستند بکثره این است که کسان او بهکار هستند در اینکه همینکه سند راجع بکسان او شد مطلقاً وقتی که او ثبت کرد از اعتبار ساقط باشد بلی در صورتی که کسان مباشر در سند ذینفع باشند آنوقت چندان اعتبار ندارد و باز هم باعث بطلان سند نمی شود اما در صورتی که نفع راجع بکسان او نباشد و راجع بغير باشد او سبب استحکام سند است پس باید قید و طوری نوشت که در صورتیکه کسان او ذی نفع باشند در آن سند

حاج آقا - این مطلب را باز تکراراً مجبور عرض کنم که وقتی ما یک قانون می نویسیم برای استحکام یک اساسی اگر یک فرض نادری باشد میشود ملاحظه استحکام یک اساسی آنرا منظور داشت بدیهی است که در یک فرض نادری یک زحمتی بیک شخص وارد می آید آنرا نباید اسباب عدم استحکام یک قانون کلی قرار داد و یک قانون عمومی را نباید فدای راحتی یک شخص کرد و این نیست این طور نیست در صورتی که ثبت اسناد اداره بشود یک دهی یا یک قصبه اگر ممکن است دو اداره در آن باشد قطعاً تشکیل میکنند و اگر قابل از برای تشکیل دو اداره نباشد آنوقت لابد نزدیک یک جانی خواهد بود که مدیر دیگری در آنجا هست این ترتیب را وزیر عدلیه که در تحت نظر او مرتب می شود این اداره منظور خواهد داشت که در تمام مملکت این اداره دائر شود و طوری نظامنامه او را می نویسد که اسباب تعطیل کارها و اسباب رحمت نشود ولی ما نباید برای راحت چند نفر در مملکت استحکام یک قانون مهمی را مملکت متزلزل بکنیم من تصور می کنم که آنچه نوشته شده است خیلی صحیح است

حاج سید ابراهیم - اینکه می فرمایند استحکام قانون منظور است البته مقصود تمام ماها استحکام قانون است اما استحکام این نیست که ایشان می فرمایند بنده عرض می کنم که این از باب شهادت است معینی از این ثبت سند از این تصدیق صحت سند گاهی می شود که ثبت این سند و نظر این را

در شهادت دلیل بر صحت سند قرار می دهند مثل یک شهادتی در شرح هم گفته اند شهادت در منطقه تهمت مسوع نیست پس این جا در صورتی که آن شهادت در باب نفع برای خودش باشد آنجا را رد میکنند والا اگر شهادت درباره خودش نباشد یعنی به نفع خودش نباشد جهت ندارد که مسوع نشود حالا اگر تصود از این ثبت اسناد همین است که بنده عرض کردم که بهین ترتیب که عرض شد باید نوشته شود و اگر مقصود دیگری است که بفرمایند

وزیر عدلیه - آندفهم هم در این ماده خیلی مذاکره شد و بنده متأسفم که باز تکرار میشود این مسئله به شهادت ربط ندارد نه تهمت نه بشرح ربط دارد دولت یک اداره می سازد و مباشر خودش میگوید فلان قسم اسناد را قبول بکنم و فلان قسم اسناد را قبول نکنم این برای استحکام سند است و برای این که مبادا سوء استعمالی بشود و برای این که مبادا اصحاب زحمت ضرر بشود برای اسناد مباشر ثبت میگوید این سند را من باین ترتیب قبول میکنم و باین ترتیب ثبت میکنم و این سند را قبول نمی کنم و ثبت نمی کنم و این که گفتند در بعضی جاها اسناد اداره ثبت نباشد در هیچ شهری نباشد که اداره ثبت اسناد نداشته باشد هر جا محکمه است مباشر ثبت هم هست و در هر حوزه محکمه ابتدائی یک اداره ثبت اسناد خواهد بود و مباشرین ثبت در هر یک از فصولات خواهند بود حالا در یک شهر اگر در یک قصبه باشد بقصه دیگری رود حالا دست بالا را هم میگیریم که یک شخصی هم مجبور شود از این شهر برود بشهر دیگر در یک موضوع مانده باشد همه اش این یک فرد را در نظر بگیریم راست است که در یکی دومی مورد میشود که اسباب زحمت و اشکال فراهم میشود ولی از طرف دیگر جلوگیری از خیلی سوء استعمالات میشود که اسباب زحمت میشود که اسباب ضرر میشود ما اگر بخواهیم که این قسم موارد نادره را هم ملاحظه کنیم و نظریان باین باشد که در تمام موارد نفع باشد و هیچ ضرری برای کسی نباشد این مسکن نیست وقتیکه باران خدا هم می آید خانه یک پیرزن هم خراب میشود این چه دلیلی میشود که نباید باران بیاید این را در نظر داشت که هر قانونیکه میگذاریم در صدمه ضرر خواهد داشت ولی صدی بود آن که نفع است آنرا نباید منظور داشت و بنده عرض میکنم این مخالف با شرع هم نیست و هیچ ربطی بقانون شرع هم ندارد و دولت یک اداره ساخته است مباشر ثبت میگوید اسناد را باین ترتیب ثبت کن اگر باین ترتیب ثبت کردی من بآن سند ثبت میکنم این هم هیچ ربطی بشهادت چیز دیگر ندارد تمام شد و رفت

آقای شیخ ابراهیم زنجالی - هر گاه بگوئید فلان سند راجع با او است معلوم میشود بر نفع او است اگر کسی سند بضرر کسان او است این را میگویند نه مال او است او را می تواند ثبت بکند مثلا اگر سند بفتح دیگری هست این سند برای کسان او نیست اگر دیگری چیزی بکسان او فروخته است این سند مال کسان او است اما اگر کسان او چیزی بدیگری فروخته اند آنوقت این سند مال کسان او نیست این را می تواند ثبت کند که فرمودند آن هیچ اشکالی ندارد در هر جا مباشر ثبت خواهد بود دیگر اینکه ممکن است مباشر ثبت یک محل از اهل آن محل نباشد ملاحظات دیگر هم دارد شاهم اخلاق مردم را دیده ام میگویند فلان سند را برادرش ثبت کرده است و همه جا مورد تهمت واقع میشود و نکته خوبی آقای مشیرالدوله گفت که فرضاً اقارب زیادی دارد مباشر ثبت یکی از اقارب یک سندی میرسد پیش مباشر ثبت مباشر ملاحظه در آن می نماید که بآن ملاحظه نباید ثبت بکند اگر آن ملاحظه را باو نکویند و ثبت نکند خلاف کرده است اگر بگویند و ثبت نکنند موجب رنجش او شده و سبب عداوت پیش آنها میشود این ملاحظات را تماماً کمیسیون در نظر داشته و یک چنین چیزی نوشته است بمقدمه بنده اشکالی ندارد رأی بگیریم اغلب تصحیح کردند گفتند رأی بگیریم

رئیس - مذاکرات کافی است حالا پاره اصلاحات شده است خوانده میشود

(پیشنهادی از طرف آقا شیخ علی نمازی قرائت شد)

(بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود راجع بنفع خودشانی آخر)

آقای شیخ علی فارسی | همینکه عرض کردم یک دفعه در سند می نویسد که خود من یا اقارب من

آقای مشیرالدوله می فرمایند که دولت این قرار را می دهد اما دولت یک نظر صحیحی را هم باید داشته باشد در این امور لابد همان نظر اتهام است چیز دیگری نیست نه اینکه چیز دیگری را ببود دولت می گویند اگر ثبت کردی قبول دادیم اگر ثبت نکردی قبول نداریم و در اینجا یک نکته گفته شد که آن سند اگر بر علیه اقاربش شد در آنجا اگر این سند ثبت شود سبب اعتبار او خواهد شد این خیلی صحیح است و فرمودند این سبب اعتبار او نخواهد شد دلیلش چیست دیگر اینکه اگر طرفین از اقاربش باشد در اینجا چرا ثبت نکند علاوه بر اینها راه شکایت از مباشر را کسی نبسته است اگر کسی شکایت داشته باشد حق دارد برود بمحکمه ابتدائی شکایت بکند و در صورتی که آنهمه ما دقت در این کرده ایم و شرایطی را برای مباشر ثبت ملاحظه کردیم سکه خلاف مروت نکند با وجود این میگویند باید نسبت با اقاربش ولو اینکه بر علیه آنها باشد اقدام نکند و اگر بکنند از درجه اعتبار ساقط خواهد بود بنده عرض میکنم این ماده ابتدا صحیح نیست و باید از این قانون ملغی شود بجهت اینکه یک خلقی را دچار زحمت می کنیم

آقای شیخ ابراهیم زنجالی - هر گاه بگوئید فلان سند راجع با او است معلوم میشود بر نفع او است اگر کسی سند بضرر کسان او است این را میگویند نه مال او است او را می تواند ثبت بکند مثلا اگر سند بفتح دیگری هست این سند برای کسان او نیست اگر دیگری چیزی بکسان او فروخته است این سند مال کسان او است اما اگر کسان او چیزی بدیگری فروخته اند آنوقت این سند مال کسان او نیست این را می تواند ثبت کند که فرمودند آن هیچ اشکالی ندارد در هر جا مباشر ثبت خواهد بود دیگر اینکه ممکن است مباشر ثبت یک محل از اهل آن محل نباشد ملاحظات دیگر هم دارد شاهم اخلاق مردم را دیده ام میگویند فلان سند را برادرش ثبت کرده است و همه جا مورد تهمت واقع میشود و نکته خوبی آقای مشیرالدوله گفت که فرضاً اقارب زیادی دارد مباشر ثبت یکی از اقارب یک سندی میرسد پیش مباشر ثبت مباشر ملاحظه در آن می نماید که بآن ملاحظه نباید ثبت بکند اگر آن ملاحظه را باو نکویند و ثبت نکند خلاف کرده است اگر بگویند و ثبت نکنند موجب رنجش او شده و سبب عداوت پیش آنها میشود این ملاحظات را تماماً کمیسیون در نظر داشته و یک چنین چیزی نوشته است بمقدمه بنده اشکالی ندارد رأی بگیریم اغلب تصحیح کردند گفتند رأی بگیریم

رئیس - مذاکرات کافی است حالا پاره اصلاحات شده است خوانده میشود

(پیشنهادی از طرف آقا شیخ علی نمازی قرائت شد)

(بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود راجع بنفع خودشانی آخر)

آقای شیخ علی فارسی | همینکه عرض کردم یک دفعه در سند می نویسد که خود من یا اقارب من

یا یکی از بستگان من این قدر بهکار هستند آنچه را از درجه اعتبار ساقط باشد این پیشنهاد را بنده کردم که راجع بفتح خودش یا کسان خودش یا آهائیکه در تحت قیومت او هستند آن محکمه ارجاع به نفع خودش گذاشته شود خیلی خوبست.

رئیس - در قابل توجه بودن این پیشنهاد رای میگیریم کسانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند. (رد شد).

(پیشنهادی بابت ذیل از محمدحاشم میرزا خوانده شد).

کمیسیون نظامنامه انتخابات بوده اند و مستقیماً شده اند بالطبع انتخاب کنند از ششمه اول.

بجای آقای مستشارالدوله - از ششمه سیم بجای آقای ممتازالدوله - از ششمه پنجم بجای بنده - از ششمه ششم بجای آقای مشیرالدوله - ششمه سوم بکنفر هم برای کمیسیون بوده بجای علی زاده با بدانتخاب کنند (گفتند از ششمه اول است).

رئیس - تفاوت نمی کند اسمی شعبات اینجا اعلام شده مطابق آن تشکیل شد و انتخاب می کنند.

مهرزاد الملک - بنده تصور میکنم وجود حضرتعالی لازم باشد و استدعا میکنم استعفاء ندهند.

رئیس - بنده خیلی تاسف میخورم از اینکه در این تکلیفی که شده است نمیتوانم بپذیرم نه در این کمیسیون بلکه در هیچ کمیسیونی دستور روز ششمه نوزدهم قانون اداره وزارت فوائد عامه و قانون ثبت اسناد و قانون منع احتکار عرض میکنم قانون اساسی معارف را خواسته تجدید نظر نمایند باین جهت گذاشتیم برای سه شنبه و بیست و سوم دستور سه شنبه بیست و ششم قانون اداری وزارت فوائد عامه و قانون ثبت اسناد دستور پنجشنبه بیست و هشتم زاپورت کمیسیون قوانین مالیه در باب عدالت بدلیه در وجود دولتی - قانون اساسی معارف.

رئیس - بنده خیال داشتم که جزء دستور امروز گذاشته شود بوزارت داخله اطلاع دادم وزیر داخله گفتند چیزی را که من اطلاع ندارم یعنی مسبوق نیستم چطور حاضر شوم در مذاکرات آن قرار شد برای وزارت داخله فرستاده شود که مطالعه بکنند و حاضر شوند برای مذاکرات.

لواء الدوله - بنده تقاضا میکنم راپورت کمیسیون نظام را در خصوص مدرسه نظام طبع و توزیع نمایند که خیلی لازم است.

رئیس - بنده دستوری را مینویسم که در تمام ممالک تصدیق کرده اند و این جا هفت هشت اسم نوشته شده اگر ما بخواهیم مثل قانون مذکور در دستور بکنیم گویا دوسه ساعت باید این جا رای بگیریم که چه مطلبی باید مطرح شود اگر فرمایشی دارند بهیئت رئیس اطلاع می دهند آنوقت برای جلسه آتی تکلیفی را معین می کنیم (در این موقع رئیس حرکت کرد و نمایندگان برخاسته بعضی از اطاق بیرون رفته و بعضی در اطاق باقی بودند مجدداً رئیس بجای خود جلوس فرمودند).

رئیس - آقایان تشریف نبرند و آنها که خارج شده اند اطلاع بدهند باید يك مطالب مختصری بهتر است نمی دانم برای کدام روز اگر جلسه آتی باشد بهتر است.

فهییم الملک - این مسئله که امروزه ما برای این بود که وزراء بروند تجدید نظری کنند و در وجه نقد معین کنند که چه خواهد بود آنها ملک خواسته بودند و آن یک چیزی سرهوی بود چون آن ها يك وجه نقدی نمی خواستند و در حقیقت آنچه چیزی پیشنهادی نبود يك مشاوره بود مجلس نمی توانست در آن يك رای بنده را اگر همان دوباره بیاید به مجلس معلوم میکنند درجه باید رای داد و معلوم کند درجه باید مذاکره شود.

رئیس - حالا رای می گیریم باین اصلاح بطوری که خواننده شد اشخاصی که موافقت قیام نمایند (رد شد) حالا اصل ماده خوانده میشود (اصل ماده خوانده شد).

رئیس - رای می گیریم با اصل ماده شصت و يك کمیسیون کسانی که تصویب میکنند اصل ماده را قیام نمایند (رد شد).

آقا شیخ ابراهیم - تکلیف رجوع به کمیسیون است.

(بعضی گفتند این ماده رد شد نمیشود بکمیسیون برگردد).

رئیس - این ماده باین ترتیب رد شد لکن ممکن است کمیسیون این ماده را بشکل دیگری پیشنهاد کند.

شور در قانون ثبت اسناد تا اینجا گمان میکنم کافی است و چنانچه امروز عرض کردم بعد از ختم جلسه باید شعبات قدیم منقذ شود که عرض اشخاصی که جزء

رئیس - حالا رای میگیریم که در جزء دستور پنجشنبه قرار بدهیم (گفتند پیشنهادی نشده است).

رئیس - در صورتیکه پیشنهادی نشده است نمیتوان رای گرفت.

دکتر علیخان - فرمودند قانون اساسی معارف استرداد شده است بنده متعجبم کی استرداد کرده است.

رئیس - من بیجهت چیزی اینجا عرض نمی کنم آقای افتخار الواعظین فرمایشی دارید بفرمایند.

افتخار الواعظین - راپورت کمیسیون داخله در باب قانون منع احتکار چندین جلسه است جزء دستور میشود وقت مجلس وفائی کند و حالا هم دستور را تعیین می فرمودند در دستور روز ششمه مقرر فرمودند و در آخر دستور قرار دادند بنده تقاضا می کنم که در جلسه روز سه شنبه و در ابتدای دستور گزارده شود چون خیلی مهم است و اگر بگذرد برای مملکت خیلی مفید خواهد بود و خیلی هم مختصر است.

رئیس - بنده خیال داشتم که جزء دستور امروز گذاشته شود بوزارت داخله اطلاع دادم وزیر داخله گفتند چیزی را که من اطلاع ندارم یعنی مسبوق نیستم چطور حاضر شوم در مذاکرات آن قرار شد برای وزارت داخله فرستاده شود که مطالعه بکنند و حاضر شوند برای مذاکرات.

لواء الدوله - بنده تقاضا میکنم راپورت کمیسیون نظام را در خصوص مدرسه نظام طبع و توزیع نمایند که خیلی لازم است.

رئیس - بنده دستوری را مینویسم که در تمام ممالک تصدیق کرده اند و این جا هفت هشت اسم نوشته شده اگر ما بخواهیم مثل قانون مذکور در دستور بکنیم گویا دوسه ساعت باید این جا رای بگیریم که چه مطلبی باید مطرح شود اگر فرمایشی دارند بهیئت رئیس اطلاع می دهند آنوقت برای جلسه آتی تکلیفی را معین می کنیم (در این موقع رئیس حرکت کرد و نمایندگان برخاسته بعضی از اطاق بیرون رفته و بعضی در اطاق باقی بودند مجدداً رئیس بجای خود جلوس فرمودند).

رئیس - آقایان تشریف نبرند و آنها که خارج شده اند اطلاع بدهند باید يك مطالب مختصری بهتر است نمی دانم برای کدام روز اگر جلسه آتی باشد بهتر است.

فهییم الملک - این مسئله که امروزه ما برای این بود که وزراء بروند تجدید نظری کنند و در وجه نقد معین کنند که چه خواهد بود آنها ملک خواسته بودند و آن یک چیزی سرهوی بود چون آن ها يك وجه نقدی نمی خواستند و در حقیقت آنچه چیزی پیشنهادی نبود يك مشاوره بود مجلس نمی توانست در آن يك رای بنده را اگر همان دوباره بیاید به مجلس معلوم میکنند درجه باید رای داد و معلوم کند درجه باید مذاکره شود.

رئیس - رای می گیریم با اصل ماده شصت و يك کمیسیون کسانی که تصویب میکنند اصل ماده را قیام نمایند (رد شد).

آقا شیخ ابراهیم - تکلیف رجوع به کمیسیون است.

(بعضی گفتند این ماده رد شد نمیشود بکمیسیون برگردد).

رئیس - این ماده باین ترتیب رد شد لکن ممکن است کمیسیون این ماده را بشکل دیگری پیشنهاد کند.

شور در قانون ثبت اسناد تا اینجا گمان میکنم کافی است و چنانچه امروز عرض کردم بعد از ختم جلسه باید شعبات قدیم منقذ شود که عرض اشخاصی که جزء

آقا میرزا ابراهیم خان - آقا شیخ اسدالله شاهزاده سلیمان میرزا - وحید الملک - آقای صدرالعلماء انتظام الحکماء.

رئیس - چون روز سه شنبه کمیسیون معاسبات تشکیل شد از آقایان اعضاء بکمیسیون معاسبات استعفاء می شود بنده در دقیقه کمیسیون معاسبات را تشکیل نماند که هیئت رئیس کار لازمی دارند در این موقع رئیس حرکت کرد و غروب جلسه ختم شد.

جلسه ۳۳۶

صورت مشروح روز ۳ شنبه ۱۹ ربیع الاولی ۱۳۲۹

مجلس ۳ ساعت قبل از غروب برپاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید - صورت روز شنبه ۱۹ را آقای معاضد الملک قرائت نمود.

(غائبین جلسه شنبه ۱۹) حاج وکیل الرعایا بدون اجازه آقا شیخ مهدی نجم آبادی با اجازه حاج سید نصرالله آقا شیخ محمد حسین حاج صدیق الممالک کاشف افتخار الواعظین مرضی قلیخان بختیاری آقا محمد بروجرودی سردار اسعد آقا سید محمد باقر ادیب بوقت حاضر نشدند دکتر امیرخان مریش بودند.

رئیس - آقای سلیمان میرزا راجع بصورت مجلس فرمایشی داشته اند ؟

سلیمان میرزا - بنده فقط عرضی که داشتم این است که آقای آقا شیخ مهدی مریش است نه غایب با اجازه چون فرست بین مریش و غایب با اجازه از اینجهت عرض کردم.

رئیس - ملاحظات دیگری که در صورت مجلس نیست ؟

(اظهاری نشد - رئیس صورت مجلس را اعضاء نمود)

رئیس - يك دستخطی از والا حضرت آندس آقای نایب السلطنه رسیده است متضمن ۴ فقره یادداشت آن دستخط خوانده می شود بعد یادداشت چنانکه مقرر فرموده اند می شود.

دستخط مزبور بابت ذیل خوانده شد - ریاست مجلس شورای ملی - چنانکه بر خود حتم و آقایان نمایندگان محترم وعده کرده بودم که آنچه در مصالح امور بنظر من رسید بطور یادداشت بمجلس محترم فرستاده خاطر نمایندگان گرام را متذکر شوم که در وقت دیگر نوشته لغاً میفرستم که در دو جلسه علنی قرائت فرمائید چنانکه خود جنابعالی کاملاً متوجه این نکات هستید ملاحظه خواهد فرمود که یادداشت اولی مورخه ۲۲ صفر میبایست بر فائده اساسی راجع بفرود مجلس و کیفیت احزاب سیاسی آن بود بیاناتی که خود اینجناب حضوراً در مجلس شورای ملی نمود راجع بکیفیت انتخاب و حیثیت نیابت سلطنت و وظائف آن بود.

از این دو یادداشت عارف هم اولی در تعیین ترتیب قوانین است که باید ملاحظه عادات و اخلاق مملکت تهیه شده و اسباب تزیین اوقات مجلس محترم نشود و دومی راجع بترتیب ادارات دولتی است

کبرای اجرای آن قوانین لازمست در این صورت جناب عالی که بهتر از همه ملئنت مسائل اساسی هستید توجه خواهید فرمود که این چهار فقره متضمن فواید اساسی مجموعه دستک حکومت ملی است.

واز اینکه این دو یادداشت اخیراً توأمأ ارسال داشتیم و ممکن است اسباب تزیین وقت مجلس محترم بشود عذر میخوام - چون بطوریکه میدانید این مسائل مربوط بیکدیگر هستند خواستیم متوالی هم خوانده شود البته جنابعالی تدارک آنرا باین ترتیب خواهید فرمود که در دو جلسه قرائت بشود و فلوب را ختم نکنند.

خواهش منم همین رقمه را نیز دو آن جلسه قرائت فرمائید که ربط این چهار فقره بیکدیگر معلوم باشد معلوم است توجه خواهید فرمود یادداشت راجع بوضع قوانین در جلسه اول یادداشت راجع بتشکیل ادارات در جلسه ثانی خوانده شود.

رئیس - چنانچه مقرر فرموده اند این دو یادداشت هر دو را امروز نمیخوانیم آن یکی راجع است بقوانین امروز خوانده میشود و آن یکی دیگر میماند برای جلسه آتی یادداشت راجع بقوانین بجزارت ذیل قرائت شد :

یادداشت مجلس شورای ملی - انتظامات مملکت بلاشبهه فرع جریان قوانین قابل الاجرای معین مدنی است که وضع آن بارعایت وسایل موجوده و عادات و مقتضیات مملکت از وظایف اولیه مجلس شورای ملی است قانون اساسی فقط يك معاهده راجع باصول است بالاخره هیچوقت نمیتواند مملکت را از احتیاجات بوضع قوانین دیگر و تعیین حدود و تحلیف مستغنی و بی نیاز نماید - هل است مبتنی تحقیق خود قانون اساسی موکول بر این است که قوانین ادارات محاکمات روابط ایتاد بایکدیگر و مناسبات آنها با دولت مدنی و موجود باشد زیرا قانون اساسی اصل و قوانین دیگر بمنزله شاخ و برگ و شعبه اعضاء آن هستند و البته هیچ درختی بی شاخ و برگ بارور نمیتواند بود پس هر قدر خیر خواهان مملکت در وضع قوانین بتأخیر و مسامحه قائل شده قانون اساسی را کافی تصور کنند تنظیمات امور ارضاء امنیت و عدالت و تهیه آسایش و سعادت عموم منتخ خواهد بود - اینجناب را از استماع کلامه (مسئولیت) که امروز در تمام معازرات و مکاتبات معمول و مصطلح است حقیقه حیرت حاصل است هیچ نمی توانیم تفسیری پیدا کنیم که در صورتیکه هیچ فائده معین دستور نوشته شده مدنی درست نیست مشغول کنندگان در مقابل چه معنی ناطق باین لفظ و مشغول شوندگان در مقابل چه فرار دادی مصداق این کلامه رافع میشوند يك وزیر بایک مأموری از متصدیان امور را وظایف رفتار چیست و کجا نوشته شده بکدام ترتیب رفتار نمایند اداء وظیفه کرده و از چه ترتیبی تخلف ورزد مرتکب ترک وظیفه شده است در خدمت و خیانت درجات پادشاه و مجازات کدام و حدود تشویق و توبیخ از چه قرار است تا اولیای امور مطابق آن دستور با مأمورین تابعه خود رفتار نمایند و خاتم و قاصر نیز از روی همان اصول خود را بحق یا مقصر میشناسند ریاست است مسئولیت در کلیات عقلی همیشه بر اولیای امور وارد است ولی در تصدی امور مملکت جزئیات بی اندازه است که منتج نتایج کلی میشوند و تا معین

نیاشته مسئولیت تحقق پیدا نیکند با این مقدمات جای شبهه نیست که هر قدر زود تر بوضع قوانین مقتضیه اقدام و اهتمام شود دیراست و تأخیر بر آن که در این عاجل نخواهد نمود - آنچه در این موضوع لازم و معمول به عالمست تشکیل و تأسیس مجمعی است که اشخاص قانون دان و ارباب امانت و بصیرت از اوضاع مملکت حاضر شده لای الزموره اوراق قانونی تهیه و بمجلس پیشنهاد کنند که هم وقت مجلس تطبیق نشده و هم وضع قوانین لازمه بتأخیر نیفتد و ظهورات غیر مترقبی که غالباً بواسطه سلیقه های شخصی و ناشی از خودسری و بی لجامیست بزرگ و کوچک آمر و مأمور را بلامتکلیف میکندارد با حدود قانون محدود و محدود شود - مجری بی مجازات نماند خدمتگذاری مأمور نشود متصدیان امور در مجازات مقصر غفلت ننمایند یا بالعکس رسوم جاهلیت را از قبیل مثله و قطع اعضاء که مخالف با شرع و عقل و انصاف است در اعمال خود مجسید و روح شریعت و اساسیت را تمام ننمایند حالا در تصحیح چندین ماده در این صورت برای دفع شبهه لازم است.

اولی باید معلوم داشت که در نوشتن قانون بعضی نرجه های نامی معین هیچ فائده نمیتواند بود زیرا هر مترجمی در ضمن قانون نمیتواند باشد اصطلاحات قانون جدا و هر عامی در ضمن معنوس از باب همان فن و مصدق همان اصطلاحات است.

ثانیاً - اقتباس از قوانین مختلف بی نتیجه بلکه فواید عمده شرکات زیرا قانون هر مملکتی از روی عادات و احرف و رسوم همان مملکت انعقاد می شود تا قابل الاجرا بشود اگر هر از این بود بایستی قوانین تمام ممالک مترجمه با هم مطابق و دارای يك قانون واحد باشند و حال آنکه هیچوقت قوانین هیچ جای عالم مطابق با يك دیگر نیستند اختلافات پرتنهایه دارند و اقتباس از قوانین مختلف اساس معلوم است چه حالی خواهد داشت.

ثالثاً - باید نظر داشت که قوانین باید برای احتیاجات حاضره مملکت وضع شود نه برای فرضیات تا باعث تضییع وقت و تولید مشکلات بی ضرورت گردد بالاتر از تمام اینها این است که قوانین باید با يك احاطه و وقت جامعی نوشته شوند که با يك دیگر مربوط باشند و هیچ ماده از مواد آن منقطع وقت نتواند با مواد دیگر مصادمه و معارضه حاصل کند چون حتی المقدور نیاید رضای پیشین اوقات مجلس محترم شد تا پس این مجمع بهر اسمی که مقتضی باشد در خارج از احتیاجات است تا مطلعین بر احوال مملکت و ارباب فن حضور داشته لای الزموره با ملاحظه عادات و اخلاق مملکت و مسائل موجوده برای احتیاجات حاضره وضع قوانین نموده بمجلس پیشنهاد نمایند و تأخیری در ادای این فریضه فوری حاصل نگردد و چون در قانون اساسی مطرح است قوانینی که در اینجا وضع میشود نباید با قوانین شریعت مطهره مغالفت داشته باشد تکرار آن را در اینجا زائد میدانم و معلوم است در این صورت از مصلحتین بر قوانین شرعی هم در آن مجمع حضور خواهند داشت که نظریات خود را اظهار نمایند.

رئیس - فرمایشات والا حضرت آندس نایب السلطنه تماشای از روی بصیرت و اطلاع و خیر خواهی

است و تمام آنها را خیلی بر قیمت و گرانها میدانم زیرا که بنده در موقع قرائت یاد داشت اخیر بنده مشاهده کردم که نمایندگان محترم باجه احساسات و چه سرست فرمایشات آنوالاحضرت را استماع فرمودند و چون باید اینطور فرمایشات بطور دقت مطالعه سکرد و البته مجلس همرا خواهد بود با بنده در این که بنده این را طبع دین آقایان نمایندگان توزیع نمایند یاد داشت دروسی را درجه آتیه قرائت می کنم [کتاب تصحیح است].

رئیس - يك دستخطی هم از حضرت آیت الله مازندرانی رسیده است آنرا هم قرائت می کنند لکن مذاکره در آن نمی شود.

بیمارت ذیل نیز قرائت شد.

بتوسط هیئت مظهره مجتهدین عظام اعضاء ایدهم اله تعالی .

بمجلس محترم شورای ملی شیخ الله تعالی ارکانه ووزارت جلیله عدلیه دامت تأییداته مرورش می شود در دوره سابقه که فصل ۲۷ قانون اساسی بطوریکه باید دقایق لازمه را مراعات نمود و فصل خصوصیات شریعه را بحکم شریعه و تصدی حکام شرع مصلحتها و اولاد الهه موقوف و سایر خصوصیات سیاسیہ ملکیتی را بعهده محاکم عرفیه نظامیه بر گذار کرده چه در نهایت این اصل کاشف از صحت اساسی بوده بنده در مسئله استنباف و تمیز مذاکرات و مراعاتی از مجلس مقدس میشود چون استنباف و تمیز بعد از صدور حکم شرعی بی تأیید مجتهدان لایحه که بنا بر این اصول مذهب مقدس جعفری علی مسیبه افضل الصلوة والسلام اصلا مشروعیت ندارد نتیجه مذاکرات آن دوره این شده که از آنکه محاکم شرعی و سیاسی عرفیه از هم دیگر متمصل شد استنباف و تمیز را همان محاکم سیاسی عرفیه مخصوص دارند که هم مخالفتی با اساس مذهب مقدس نشده باشد و هم موازین سیاسی ایران در انظار دول اجنبیه ناقص نباشد و همین طور بنا بود انجام شود که داستان انفصال مجلس بیان آمد تا در این دوره چندی قبل مسعود شد محکمه تمیز را مقرر داشته اند و جناب مستطاب نده الاسلام آقای حاج شیخ محمد حائری مازندرانی دام علاه بریاست آن انتخاب شده اند بکمان اینکه بهمان ترتیب سابق است و انتخاب ایشان هم برای اعمال دقایق شرعی است از اینجهت مسرور شده و تلگراف هم مبنی بر همین معنی مرورش داشته وضمناً از وزارت جلیله عدلیه فرید مراقبت و نقل جهت کامل در دفع خرابی های عدلیه و حسب ادارات آن که موجب شکایت عمومی شده است درخواست شد حالا می شنوم آن ترتیب سابق و آنفصل شریف یکی من حیث الملک ملق شده و خصومات شرعی را غیر اصل متصدی گشته و استنباف و تمیز مسطرأ مقرر شده است اگرچه این معنی از جهات عدلیه قابل تصدیق نبود لکن از روی کمال اضطراب که مبادا خدای خواسته تقلید از عجا کم خارجه چنین پیش آمد روز سهامی را برای انجام این اساس سعادت متعنی گشته و سر آمد تمام موجبات از جاز و نفرت قلوب نوع علماء و ملت شده که ناموس این اساس سعادت تدریجاً از میان

رئیس - این ماده را کمیسیون حذف کرده است حالا باید برای بگیریم در اینکه این ماده برقرار باشد یا نه .

آقا شیخ ابراهیم - چون الان مواد وضع شده است برای قوت ثبت اسناد و اثرات آن این است که دیگر لازم باین ماده نبود وانی که از طرف وزیر این پیشنهاد میشد آن مواد وضع نشده بود.

وزیر عدلیه - چون در اوقاتی که این قانون پیشنهاد میشد گمان میشد که قانون راجع باعتبار ثبت اسناد و اثرات آن باین زودی از مجلس نخواهد گذشت از باب اینکه تکلیف استادی که ثبت میشود همین باشد این چند ماده نوشته شد این بود که بعد در کمیسیون عدلیه چند ماده برای اعتبارات و اثرات قانون ثبت اسناد نوشته و ضمیمه کردند و در صورتیکه ضمیمه کرده اند دیگر لازم بر جوع باصول می آید کمالات نیست .

رئیس - معلوم میشود که آقای وزیر عدلیه این ماده را مسترد میدارند پس در این خصوص رأی نمی گیریم .

فصل ۶ ماده ۶۷ لایحه وزیر - مقصود از ثبت اسناد ثابت و مطمئن نمودن تاریخ اسناد و محافظت اسناد است .

وزیر عدلیه کلیه بنده این فصل را مسترد میدارم بجای آن پیشنهاد میکنم که این قسمتی که از کمیسیون تصویب شده است خوانده شود .

رئیس - پس دیگر این فصل ۶ قرائت میشود فقط همان موادی که در رأیوت کمیسیون نوشته شده است خوانده میشود .

قسمت دوم در ترتیب ثبت اسناد و اعتبار آن ماده ۶۲ - اسناد باید کلمه به کلمه من البدو الی الختم متنأ و هاشأ بلا تفاوت مطابق با اصل ثبت شود .

رئیس - مخالفی که در این ماده نیست (اظهاری نشد) رأی میگیریم آقایانی که با این ماده موافقت قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند و با اکثریت ۵۹ رأی تصویب شد)

ماده ۶۳ - مباشرت علاوه بر متیقن از هویت اصحاب معامله یا وکلای آنها بطوریکه در ماده ۵۹ و ۶۰ مذکور است باید قبل از ثبت اسناد یقین حاصل نماید که اصحاب معامله صلاحیت آن معامله را موافق قوانین دارند یعنی مطمئن بشود که اولاً طرفین معامله صغیر یا مجنون نیستند یا اگر دارای صفات مذکوره هستند ولی با قیم آنها اجازه معامله را داده اند اینها یکی از طرفین یا هر دو طرف ورشکسته اعلان نشده اند ثالثاً موضوع معامله اموال موقوفه یا اموالی که قانوناً مجهول شده است نیست تحقیقات مباشر در مورد صلاحیت بتوسط دو نفر مطلع بعمل می آید و در ثبت اسناد راجعه بقفل و انتقال املاک غیر منقوله نیز مطلع لازم است .

آقا شیخ ابراهیم - آن ماده چند غلط دارد اصلاح شده و صحیح است این است که بنده نوشته ام .

(اصلاح ایشان بمرتبت ذیل خوانده شد)

ماده ۶۴ - مباشرت علاوه بر متیقن به هویت اصحاب اسناد و وکلای آنها بطوریکه در ماده ۵۹ و ۶۰ مذکور است باید قبل از ثبت اسناد یقین حاصل نماید اولاً اینکه صاحبان معامله صلاحیت آن معامله را موافق قوانین یعنی مطمئن شود که طرفین معامله صغیر یا مجنون نیستند یا اگر دارای صفات مذکوره هستند ولی باقیم آنها آن معامله را کرده است و همچنین صغیر نیستند و ورشکسته اعلان نشده اند .

ثانیاً باینکه موضوع معامله از اموال موقوفه یا خالصه یا از مشترکات عمومی یا مجهول المالک ثبت تحقیقات مزبوره در موارد مذکوره بتوسط دو نفر مطلع بعمل می آید مگر در نقل و انتقال اموال غیر منقوله دوماً نیز مطلع لازم است .

حاج سید ابراهیم - بنده در آن چیزی که نوشته شده است در کلمه مجهول المالک اشکالی داشتم و حالا که ایشان این اصلاح را پیشنهاد کرده اند خوبست طبع و توزیع شود گمان میکنم که این را شور ادلش قرار بدهیم که درست دقت خودمان را در آن بکنیم .

آقا شیخ ابراهیم - مطلبش که با آن مخالف نیست این یک قدری غلط چاپ شده بود باینجهت بنده صحیحش را نوشتم .

رئیس - هر چند که گفته میشود این اصلاح است ولی چون بعضی عبارات را در این ماده میکنند که تقریری در معنی میدهد از این جهت گمان میکنم که خوبست این ماده بر گردد بکمیسیون .

حاج امام جمعه - اگر اجازه بدهید بنده توضیحی بدهم که یکی دو کلمه را بردارند باقی ماده خیلی خوبست .

رئیس - آقای منبر چه می فرمائید بکمیسیون رجوع میکنیم بسا اینکه در همین جا مطرح مذاکره شود .

آقا شیخ ابراهیم - بسیار خوب برگردد بکمیسیون که نظریات ثانوی در آن بشود .

ماده ۶۵ - اشخاصی که توسط آنها تحقیقات مزبوره در ماده قبل بعمل می آید باید بالغ و باسواد و معروف مباشر ثبت باشند و هر گاه مباشرت آنها را نشانند باید تصدیقی در باب هویت خودشان از یکی از ادارات رسمی ایران نمایند .

حاج سید ابراهیم - آن لفظ معروف را اگر تبدیل بامن بکنند بهتر است بجهت اینکه معروف مباشر ثبت بودن فایده ندارد باید امین باشد که اطلاعش سندیت داشته باشد .

آقا شیخ ابراهیم - عیبی ندارد مطلب همان است که نوشته شده است باید معروف و مستند مباشر ثبت باشد .

حاجی شیخ اسدالله - عرض میکنم چون یک فقره در آن ماده راجع باده قبل است و بنده در آن ماده قبل یکی مخالف بودم در این ماده عرایض خودم را میکنم که ابتدا این دو ماده راجع به ثبت اسناد نیست و در قانون ثبت اسناد ابتدا نباید این مطلب نوشته شود برای اینکه مسی بینم بهمین عنوان وارد یک محکمه در اداره ثبت اسناد تشکیل می شود برای این است که تصدیق بکنند که ملکی که معامله شده است خالصه نباشد بجهت اینکه در یک معامله با میشود که یک کسی نباید مدعی بشود که این ملک خالصه است و آن وقت محتاج به تحقیق خواهد شد .

رئیس - این راجع باین ماده نیست .

حاج شیخ اسدالله - راجع باده قبل است که نباید در این قانون باشد .

رئیس - ماده قبل رجوع شد بکمیسیون .

حاج شیخ اسدالله - چون در این ماده میگوید تحقیقات مزبوره در ماده قبل این طور نوشته شده است .

[ماده ۶۳ و اثرات کرد] حالا اگر اجازه بفرمائید بنده مخالفت خودم را عرض کنم والا این ماده هم باشد ناوقتیکه آن ماده بمجلس بیاید و بنده هم عرایض خودم را عرض کنم .

آقا شیخ ابراهیم - آن ماده بهمان طور تصحیح خواهد شد لابد باید طرف معامله صغیر نبوده باشد مجنون نباشد و همچنین املاک موقوفه را همانطور که رأی دادیم در مدیریت ثبت صورت املاک موقوفه هست و البته مباشر ثبت و تحقیق بک معامله را پیش او می آورند باید تحقیق بکنند که از املاک موقوفه یا خالصه یا مشترکات عمومی نباشد و اگر هست ثبت نکنند و البته این امور را باید بتوسط اشخاص مطلع بعمل بیارند از عووضش که نخواهد تحقیق کرد از اشخاص مطلع

تصدیق خواهد کرد اشخاص مطلع باید تصدیق بکنند تا اینکه اوتوانند ثبت کند .

حاج امام جمعه - معلومت فرض از همه این فراد و قرائت این است که نوشته جات و اسناد عموم مردم مسقوظ باشد و تقبل نشود حالا اینجا بمرغی و شهادت دو نفر باسواد و معروف مباشر ثبت اکتفا کردن به قید بنده نقض آن فرض میشود گمان بنده این است که این چیزی که اینجا نوشته شده است کم است باید نوشته شود که امین و مستند مردم باشند گفته هر دو نفر را نباید مباشر قبول کند باید آن دو نفر فی حد ذاته مستند باشند .

آقا شیخ ابراهیم - امین و معروف یعنی امین و معروف نزد مباشر ثبت امین و معروف پیش مردم را نمیتواند مباشر قبول کند باید امین و معروف پیش او باشد تا اینکه اوتوانند امینان حاصل بکنند .

آقا شیخ ابراهیم - تنها مستند و معروف مباشر ثبت بودن کافی نیست .

حاج شیخ الرئیس - بنده در آن ماده مناقشه منوی ندارم فقط همان مناقشه لفظی است که همیشه در مباحث الفاظ مذاکره میکنم و آنها را آنان بنویسند آنانکه متکررند حاضر جواب بگویم .

حاج شیخ اسدالله - اینجا نوشته شده است که اشخاصیکه توسط آنها تحقیقات مزبوره در ماده قبل بعمل می آید و چون بنده در ماده قبل مخالف بودم و اینها را از وظیفه مباشر ثبت نمیدانم و اینها را راجع به امینان محاکم شرعیه از این جهت تقاضا میکنم و پیشنهاد میکنم که این ماده حذف شود یا اینکه بماند که بعد از اینکه آماده قبل بمجلس آمد بنده عرایض خودم را عرض میکنم شاید آقایان تصدیق بفرمائید و این دو ماده هر دو حذف شود .

آقا شیخ ابراهیم - تحقیقات مباشر ثبت حکم که نیست اگر در یک جایی خلاف آن معلوم شد آنرا دورماننازنده این برای این است که مباشرت از روی یک سند معتبری اسناد را ثبت بکنند .

رئیس - گمان میکنم که مذاکره کافی است یک پیشنهادی آقای امام جمعه کرده اند خوانده میشود (بمرتبت ذیل قرائت گردید)

لفظ امین را در بین لفظ بالغ و لفظ معروف زیاد بکنند .

آقا شیخ ابراهیم - بنده مقصود را نمیدانم امین در نزد عموم مردم باشد یا در نزد مباشر ثبت والا امین مطلق را میچو نت نمیتوان گفت .

حاج امام جمعه - مقصود از امین یعنی معروف بامانت باشد .

رئیس - حالا اینجا تقاضا شده است که این ماده بر گردد بکمیسیون و چون راجع بکمیسیون حق تقدم دارد اول در آن رأی میگیریم آقایانیکه موافقت با آن ماده که این ماده بکمیسیون راجع شود قیام نمایند (در شد)

(پیشنهادی از طرف آقا محمد بروجردی بمرتبت ذیل قرائت شد)

در آخر این ماده نوشته شود و مباشر ثبت اسماه آنانرا که بتوسط آنها تحقیقات بعمل آمده ثبت خواهد کرد .

آقا محمد - از این ماده چنین مستفاد میشود که خود صاحب مامله را مباشر ثبت نیشناسد و باید به معرفی دو نفر بالغ و نکره معروف و مستند باشند امینان پیدا بکنند و البته باید اسم آنها را ثبت بکنند که آنها در موقع انکار نکنند .

آقا شیخ ابراهیم - بنده تعجب می کنم آقایان گویا تمام این قانون را نخوانده اند و بدون مطالعه پیشنهاد می کنند تمام این تفصیلات در مواد بعد خواهد آمد با تمام جزئیات کی آمد کی بود چه گفت چه شد دیگر لازم باین نیست .

رئیس - حالا رأی می گیریم باین اصلاح آقای آقا محمد .

آقا محمد - در صورتی که در مواد بعد خواهد آمد دیگر لازم نیست و بنده پیشنهاد خودم را پس می گیرم .

رئیس - پس معلوم گردید که بدون مطالعه پیشنهاد گردید حالا رأی می گیریم در اصل ماده (ماده مزبوره با اصلاح ذیل خوانده شد)

ماده ۶۵ - اشخاصی که بتوسط آنان تحقیقات مزبوره در ماده قبل بعمل می آید بالغ و امین و معروف مباشر ثبت باشند هر گاه مباشر ثبت آنها را نشانند باید تصدیقی در هویت خودشان از یکی از ادارات رسمی ایران نمایند .

رئیس - رأی می گیریم در این ماده باین اصلاحی که خوانده شد آقایانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام کردند) .

رئیس - با اکثریت ۵۵ رأی تصویب شد ماده ۶۵ خوانده میشود .

ماده ۶۵ - هر گاه اشخاص مطلع یکی از صفات مفضل ذیل را دارا باشند ثبت اسناد از درجه اعتبار ساقط است (۱) مطمئن کور و کتک و کر و دیوانه و غیر بالغ (۲) اشخاصی که در معامله نمی توانند یعنی در خود سند راجع بفاصله و نفع آنها چیزی نوشته شود (۳) خدمه مباشر ثبت و اجزاء اوچه در مباشرت ثبت اسناد باشند و چه در خارج آن (۴) اقوام اصحاب معامله تادرجه چهارم و همچنین خدم اصحاب مامله (۵) اشخاصی که بواسطه ارتکاب بیجانیات محکوم شده اند .

حاج سید ابراهیم - این عبارت اولاً باید قدری لفظش را درست کرد بعد از آنکه گفت صفات مفضل ذیل را دارا باشند باید گفت اولاً کوری و کری و کتکی برای اینکه عبارت درست باشد و ثانیاً این قیدیکه کرده است که اشخاصی که در معامله ذی نفعتد خیلی خوب است بجهت آنکه مظنه تهمت است و دیگر اینکه می گوید از اقوام اصحاب مامله نباید اطلاع تحصیل کرد و حال آنکه بیشتر از اقوام اصحاب معامله مرسوم اطلاع تحصیل کرد بلکه بهترین اطلاع بر احوال معامله را از اقوام اصحاب معامله می شود تحصیل کرد و جهت ندارد که بگوئیم از قوم خویشايش اطلاع حاصل نکنند و دیگر در آن خاصه که می گوید اشخاصی که بواسطه ارتکاب بیجانیات محکوم شده اند از یک جزائی دارد